



The English Today
www.TheEnglishToday.ir

900⁺ Frequent Vocabularies

- کتاب ۹۰۰ لغت پرتکرار آزمون‌های زبان دکتری
- به همراه ۳۰۰ لغت پایه، بیش از ۷۰۰ تست واژگان
- آموزش ریشه‌شناسی، حروف اضافه و افعال دو قسمتی
- طراحی‌شده جهت قبولی در آزمون‌های زبان دکتری:
MSRT, TOLIMO, MHLE, UTEPT

مؤلف: مهندس حسین پورفخار
مدرس تخصصی آزمون‌های زبان دکتری
مؤسس گروه آموزشی **TheEnglishToday**

فهرست مطالب

۳	پیش‌گفتار.....
۴	ویژگی‌های متمایزکننده این مجموعه.....
۴	الف) ۹۰۰ لغت پرتکرار به همراه هم‌خانواده، مشتقات و مترادف‌های پرکاربرد.....
۴	ب) آموزش ریشه‌شناسی.....
۵	ج) تست‌های ادوار گذشته به ترتیب ساده به دشوار به همراه پاسخ تشریحی.....
۵	روش پیشنهادی مطالعه این کتاب.....
۶	این کتاب برای چه داوطلبانی و با چه سطحی طراحی شده است؟.....
۷	سخن آخر:.....
۹	فصل اول: آموزش ریشه‌شناسی، پسوندها و پیشوندها.....
۱۳	جدول پسوندهای اسم‌ساز.....
۱۴	جدول پسوندهای صفت‌ساز.....
۱۶	فصل دوم: حروف اضافه و افعال دو قسمتی.....
۱۶	حروف اضافه اصلی مرتبط با زمان.....
۱۷	سایر حروف اضافه مربوط به زمان.....
۱۷	حروف اضافه اصلی مرتبط با مکان.....
۱۸	سایر حروف اضافه مربوط به مکان.....
۲۰	جدول افعال دو قسمتی پرکاربرد.....
۲۳	فصل سوم: بخش اول واژگان (۳۰۰ لغت پایه).....
۵۳	تست‌های چهارگزینه‌ای بخش اول:.....
۵۹	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهارگزینه‌ای بخش اول.....
۶۴	بخش دوم واژگان.....
۹۴	تست‌های چهارگزینه‌ای بخش دوم:.....
۱۱۱	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهارگزینه‌ای بخش دوم.....
۱۲۶	تست‌های Paraphrase بخش دوم:.....
۱۳۱	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های Paraphrase بخش دوم.....
۱۳۵	بخش سوم واژگان.....
۱۶۵	تست‌های چهارگزینه‌ای بخش سوم:.....
۱۸۲	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهارگزینه‌ای بخش سوم.....
۱۹۷	تست‌های Paraphrase بخش سوم.....
۲۰۳	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های Paraphrase بخش سوم.....
۲۰۸	تست‌های چهارگزینه‌ای بخش چهارم:.....
۲۲۲	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهارگزینه‌ای بخش چهارم.....
۲۳۴	تست‌های Paraphrase بخش چهارم:.....
۲۴۱	پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های Paraphrase بخش چهارم.....

پیش‌گفتار

کتاب ۹۰۰ لغت پرتکرار آزمون‌های زبان دکتری مجموعه‌ای است که ویژه داوطلبان آزمون‌های زبان دکتری گردآوری و تدوین شده است. این مجموعه حاصل تلاش‌های گروه آموزشی TheEnglishToday با سرپرستی مهندس حسین پورفخار بوده و با هدف یادگیری زبان انگلیسی و قبولی در آزمون‌های زبان دکتری طراحی شده است.

در بین دانشجویان و مؤسسات فعال در زمینه آموزش آزمون‌های زبان انگلیسی در مقاطع و سطوح مختلف، کتب مشهوری همچون 1100, 504, Vocabulary in use, WordsEssential Words For TOEFL به‌عنوان منابع اصلی جهت تقویت دایره واژگان انگلیسی معرفی شده که در نوع خود، کتب باسابقه و معتبری هستند، اما در چند سال اخیر، دانشجویان در مقاطع مختلف از جمله دکتری با این مشکل روبرو بوده‌اند که علی‌رغم مطالعه قسمتی یا تمامی این کتب، واژگان مطرح‌شده در این منابع در آزمون‌ها به‌صورت محدود مورد استفاده قرار گرفته و تلاش‌های آنان در جهت افزایش نمره در بخش‌های مختلف آزمون‌ها، بی‌ثمر باقی‌مانده است. لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که این کتب به‌صورت عمومی دانش واژگان را تقویت کرده و مناسب کسانی است که قصد دارند در بلندمدت، دایره لغت خود را گسترش دهند، اما دانشجویانی که قصد کسب نمره قبولی در مدت زمان کوتاه در آزمون مشخصی همچون آزمون‌های زبان دکتری را دارند، لازم است واژگان پرتکرار و متداول هر آزمون را در ابتدا فراگیرند.

محققان و پژوهشگران در حوزه علم زبان‌شناسی معتقدند که افراد در هر زبان و کشور و در هر سن، حرفه و موقعیت اجتماعی، روزانه از مجموعه محدودی از واژگان جهت ساخت جملات و انتقال مفاهیم استفاده می‌کنند (در بعضی پژوهش‌ها، این عدد کمتر ۳۰۰۰ کلمه شمرده شده است). این نکته از این جنبه حائز اهمیت است که جهت فراگیری یک زبان جدید نیز می‌توان با تسلط بر واژگان پربسامد و ارتباط بین این کلمات (و نه یادگیری حجم زیادی از مطالب کم‌کاربرد و بلااستفاده) به‌راحتی با دیگران ارتباط برقرار کرد.

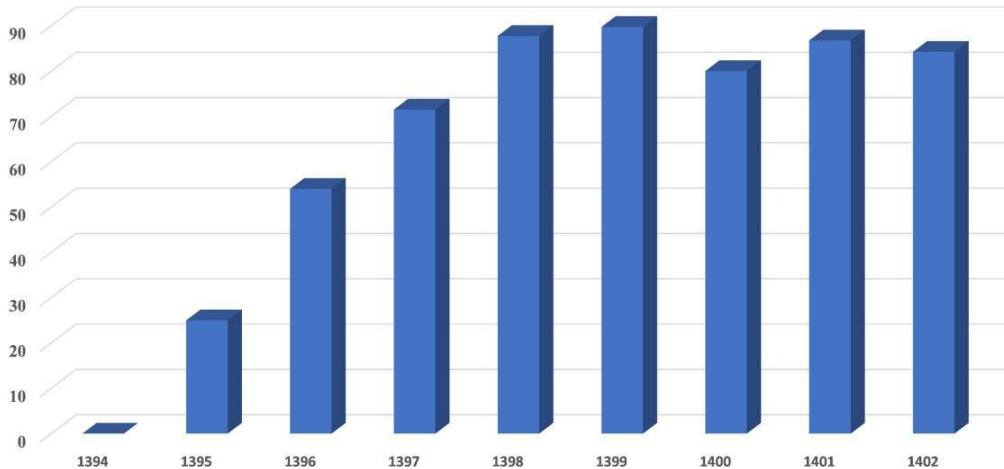
آزمون‌های زبان انگلیسی همچون آزمون‌های زبان مقطع دکتری در ایران نیز از همین قاعده پیروی می‌کنند. اگر واژگان مطرح‌شده در قسمت‌های مختلف دوره‌های اخیر این آزمون‌ها را بررسی کنید، خواهید یافت که در این آزمون‌ها نیز، مجموعه محدودی از کلمات در حال تکرار بوده و با مطالعه این مجموعه پرتکرار، قادر خواهید بود در کوتاه‌ترین زمان، معنا و مفهوم اکثر کلمات و جملات مطرح‌شده در آزمون‌ها را به‌درستی تشخیص دهید.

مجموعه ۹۰۰ لغت پرتکرار آزمون‌های زبان دکتری نیز بر اساس همین منطق طراحی و تدوین شده است، به‌نحوی که با مطالعه این مجموعه، بر اغلب واژگانی که در هر آزمون، در حال تکرار هستند، مسلط خواهید شد. این کتاب با بررسی تمامی سؤالات مطرح‌شده در آزمون‌های زبان دکتری از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا کنون (بیش از ۱۲۰ هزار لغت و در همه بخش‌ها از جمله شنیداری، واژگان، گرامر و

درک‌مطلب) و بررسی و یکسان‌سازی ریشه‌های مشترک کلمات و همچنین تعداد تکرار هر کلمه در کل دوره‌ها، توانسته مجموعه‌ای را گردآوری کند که با واژگان پرتکرارتر شروع و با پیشرفت فرایند مطالعه، واژگان دشوارتر و کم‌تکرارتر را به شما آموزش دهد.

با بررسی میزان تکرار کلمات در دوره‌های مختلف آزمون‌های زبان دکتری و همچنین محاسبه درصد شباهت واژگان هر دوره با ادوار گذشته، نتایج حاصل گردیده و در نمودار زیر مشاهده می‌فرمایید.

نمودار درصد تشابه واژگان مورد استفاده در آزمون‌های زبان دکتری نسبت به دوره‌های گذشته



روند صعودی این نمودار بیانگر این نکته است که در هر دوره، تنها تعداد محدودی واژه جدید مطرح شده و بیش از ۸۷٪ واژگان، قبلاً در آزمون‌های گذشته مطرح و استفاده شده‌اند.

ویژگی‌های متمایز کننده این مجموعه

الف) ۹۰۰ لغت پرتکرار به همراه هم‌خانواده، مشتقات و مترادف‌های پر کاربرد

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، مجموعه واژگانی که در این کتاب گردآوری شده است، شامل کلمات پرتکرار ادوار مختلف آزمون‌های زبان دکتری می‌باشد. این روش آنالیز و ریشه‌شناسی به دانشجویان این اطمینان را می‌دهد که با مطالعه و تسلط بر این مجموعه و مرور از طریق تست‌های واژگان دوره‌های اخیر، به راحتی به اغلب کلمات مطرح‌شده در بخش‌های مختلف آزمون مسلط خواهند شد. ویژگی جدیدی که در نسخه جدید این مجموعه افزوده شده است، آموزش مشتقات و هم‌خانواده‌های هر کلمه و همچنین فونوتیک انگلیسی و تلفظ دقیق فارسی هر واژه است و به دانشجویان پیشنهاد می‌شود حتماً کلمات را با تلفظ صحیح بخاطر بسپارند.

ب) آموزش ریشه‌شناسی

یکی از مهم‌ترین و منحصربه‌فردترین ویژگی‌های مجموعه ۹۰۰ لغت پرتکرار آزمون‌های زبان دکتری، بخش آموزش ریشه‌شناسی است. آموزش‌های ارائه‌شده در این بخش، این امکان را به داوطلبان می‌دهد که هم‌خانواده‌های یک واژه را نیز بتوانند اولاً از لحاظ ساختار (اسم، صفت، فعل، قید و ...) تشخیص و ثانیاً معنای آن را به‌درستی بکار ببرند. به‌عبارت‌دیگر، همچون زبان فارسی، با دانستن ریشه کلمات و همچنین پیشوندها و پسوندها و ... می‌توان کلمات جدیدی را با نقش‌ها و معانی مختلف از یک ریشه ایجاد کرد که این امر سبب گسترش سریع و فوق‌العاده سطح دایره واژگان گردیده و همچنین حجم مطالب تکراری این مجموعه به طرز چشم‌گیری کاهش یابد.

ج) تست‌های ادوار گذشته به ترتیب ساده به دشوار به همراه پاسخ تشریحی

ابتکار و نوآوری بکار گرفته شده در این کتاب با این هدف طراحی شده است که دانشجویان در هر سطح و پایه، بتوانند قدم به قدم و از سطح پایه تا پیشرفته، دایره واژگان خود را به طور مؤثر و با صرف کمترین زمان و انرژی گسترش دهند. در این بخش از کتاب، تمامی کلمات استفاده شده تست‌های واژگان ادوار گذشته بر اساس واژگان پرتکرار در ۳ بخش (۳ بخش ۳۰۰ لغتی) آنالیز شده و پس از هر بخش، تست‌های متناسب با سطح آن بخش ارائه گردیده است. به بیان دیگر، جهت مرور و اثربخشی بیشتر، پس از مطالعه هر بخش ۳۰۰ لغتی، مجموعه‌ای از تست‌ها را مشاهده خواهید کرد که واژگان مطالعه شده در آن‌ها بکار رفته است. این روش باعث می‌شود هر داوطلبی با هر سطحی با مطالعه این مجموعه احساس کند که حتی با مطالعه مجموعه محدودی از کلمات، قادر خواهد بود بخش قابل توجهی از سؤالات واژگان آزمون‌های زبان دکتری را متناسب با سطح خود پاسخ دهد.

روش پیشنهادی مطالعه این کتاب

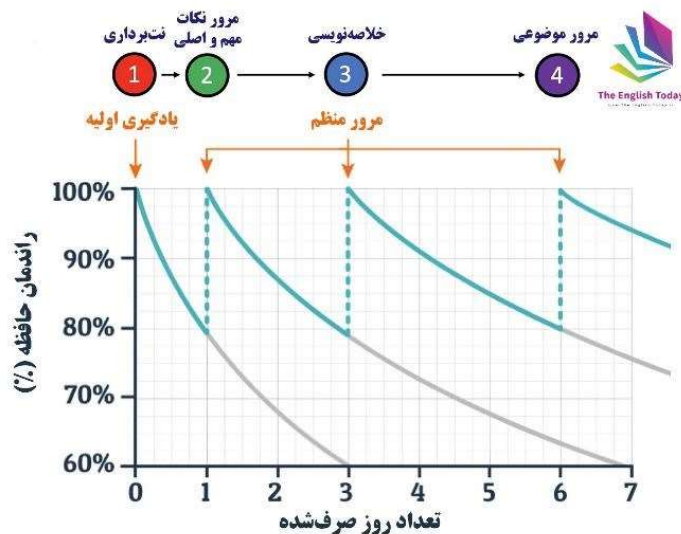
با نظر به اینکه مطالعه واژگان، امری زمان‌بر و نیازمند مرور منظم است، در ادامه قصد داریم روشی را که بر اساس مطالعات پژوهشگران در حوزه آموزش، معرفی شده است را معرفی شرح دهیم.

به‌خاطر سپاری مطالب به روش لایتنر:

روش یادگیری لایتنر (Leitner's learning method) در سال ۱۹۷۲ توسط محقق و روان‌شناس معروف سباستین لایتنر ارائه شد که روشی علمی و آزموده شده برای انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت است. در این روش، به‌جای مطالعه و مرور هرروزه همه اطلاعات که با زیاد شدن مطالب، کاری غیرممکن و یا بسیار وقت‌گیر است، فقط با ۵ بار تکرار یک مطلب در طی یک دوره مطالعاتی، روند آموزش تکمیل شده و آن مطلب برای همیشه در حافظه بلندمدت نقش می‌بندد. نکته حائز اهمیت در این روش این است که یادگیری فقط یک‌بار در روز اول انجام شده و ۴ نوبت بعدی فقط مربوط به تکرار و مرور آن است.

مبنا و منطق استفاده از روش لایتنر:

منحنی فراموشی ابینگ هاوس: منحنی فراموشی ابینگ هاوس (Ebbinghaus's Forgetting Curve) نشان می‌دهد که اگر انسان یک مطلب را به‌خوبی فرا بگیرد، در مدت‌زمان بین ۲۴ تا ۴۸ ساعت، تقریباً نصف آن را فراموش کرده و پس از حدوداً یک ماه، ۸۰٪ آن را فراموش می‌کند که نشان می‌دهد ۸۰٪ آن در حافظه کوتاه‌مدت و ۲۰٪ آن در حافظه بلندمدت ذخیره شده است. روش لایتنر مراحل یادگیری را طوری برنامه‌ریزی می‌کند تا با کمترین دفعات و مناسب‌ترین زمان تکرار در قسمت اوج منحنی فراموشی، مطالب به حافظه بلندمدت منتقل شوند.



منحنی فراموشی ایبنگ هاوس (Ebbinghaus's Forgetting Curve)

بر اساس نمودار منحنی فراموشی، در اولین مرتبه‌ای که مطلبی را حفظ می‌کنید، آمادگی به‌خاطر آوردن آن، ۱۰۰٪ بوده و پس از یک روز، این راندمان به ۸۰٪ کاهش می‌یابد. اگر فردای روز اول، مجدداً این مطلب یادآوری و مرور شود، راندمان یادگیری مجدداً به ۱۰۰٪ رسیده و پس از ۲ روز، راندمان به ۸۰٪ درصد خواهد رسید. همچنین اگر مطلب در روز سوم مجدداً یادآوری و مرور شود، باعث خواهد شد که آن مطلب تا ۳ روز آینده راحت‌تر یادآوری شود.

به‌طور کلی، مزیت این روش به‌گونه‌ای است که سبب کاهش زمان مطالعه و مرور شده و همچنین باعث انتقال مطالب از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، اگر این روند را در زمان حفظ و یادگیری مطالب رعایت نکنیم، باعث افزایش **دفعات مرور، تلاش مضاعف** و همچنین نیازمند صرف **زمان بیشتری** خواهد شد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود که زمان‌های مرور مطالب را مطابق نمودار بالا تنظیم نموده تا به‌صورت هوشمندانه و با صرف حداقل تلاش و زمان، بتوانید به حداکثر مطالب ممکن مسلط شوید. در فصل سوم (۹۰۰ واژه پرتکرار)، در هر صفحه ۱۰ واژه به همراه ترجمه، تلفظ انگلیسی و فارسی، مشتقات و مترادف‌ها ارائه شده و پیشنهاد می‌شود در هر روز یک یا دو صفحه (۱۰ الی ۲۰ کلمه) مطالعه شود که که البته سطح و پایه زبان و همچنین توانایی ذهنی هر داوطلب در سرعت مطالعه و به‌خاطر سپاری کلمات می‌تواند تأثیرگذار باشد. دقت داشته باشید که پس از هر بخش، تست‌های مشابه کلمات آموزش داده شده به دقت‌ترین روش دسته‌بندی شده و منبع فوق‌العاده‌ای برای مرور مطالب و تمرین فن ترجمه خواهد بود.

این کتاب برای چه داوطلبانی و با چه سطحی طراحی شده است؟

رویکرد طراحی این مجموعه جهت دانشجویانی است که سطح پایه و متوسطی داشته و قصد دارند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به اکثر کلماتی که در بخش‌های مختلف آزمون و در سطح بالاتر از متوسط (upper-intermediate) مطرح می‌شوند، مسلط شده و این امر با مطالعه کلمات پرتکرار استفاده‌شده در آزمون محقق خواهد شد. بر اساس نمودارها و آمارهایی که در صفحات قبل ارائه شده، همواره در هر دوره از آزمون، کلمات جدیدی در بخش‌های مختلف آزمون مطرح شده که برای پاسخگویی مناسب، لازم است داوطلبان به سطح بالایی از دایره واژگان مسلط باشند. لذا به داوطلبان گرامی توصیه می‌شود اگر قصد دارند به تمامی واژگان جدید و دشوار مطرح‌شده در آزمون پاسخ دهند، پس از مطالعه کامل مجموعه واژگان و همچنین **تست‌های تکمیلی** و مروری این کتاب، کتاب‌هایی همچون 1100 Words, Essential Words For TOEFL را مطالعه کنند.

سخن آخر:

بی شک، یکی از دشوارترین و زمان برترین مهارت‌های زبان انگلیسی، تقویت دایره واژگان بوده که با روش‌هایی که شرح داده شد، سعی کرده‌ایم در وهله اول، مهم‌ترین و پرسؤال‌ترین واژگان را جمع‌آوری، با آموزش ریشه‌شناسی آن‌ها را تکمیل و با ارائه راهکارهای عملی و کارآمد مطالعاتی، راندمان یادگیری و انتقال مطالب را به حافله بلندمدت بهبود بخشیم.

مجموعه TheEnglishToday با نظارت مهندس حسین پورفخار سعی کرده است تا با ارائه این مجموعه ارزشمند و نوآور، مساعدتی به جامعه محترم دانشگاهیان نموده و آنان را جهت سیر مراحل تحصیلات تکمیلی همراهی نماید. از داوطلبان و دانشجویان گرامی دعوت می‌شود به‌منظور بهبود کیفیت این مجموعه، پیشنهادهای خود را با شماره ۰۹۹۰۵۳۹۹۳۸۹ (بخش پشتیبانی) در میان بگذارید. همچنین جهت ارائه مجموعه‌ای بی‌نقص و کارآمد، دانشجویان گرامی می‌توانند جزئیات اصلاحیات این نسخه از کتاب را از طریق اسکن QR کد زیر دریافت نمایند.



جهت احترام به تیم تألیف این مجموعه و به‌منظور حفظ انگیزه جهت طراحی و تدوین سایر دوره‌های آموزشی، تقاضا می‌شود دوستان خود را دعوت به تهیه نسخه قانونی و کامل این مجموعه نمایند.

فصل اول:

آموزش ریشه‌شناسی، پسوندها و پیشوندها

فصل اول: آموزش ریشه‌شناسی، پسوندها و پیشوندها

همه زبان‌ها دارای تعداد زیادی واژگان هستند، بنابراین حفظ کردن و به‌خاطر سپردن همه این کار بسیار دشوار و زمان‌بری است. به همین دلیل، متخصصین علم زبان‌شناسی بر این باورند که شما می‌توانید با افزایش دانش خود درباره پیشوندها، پسوندها و ریشه واژگان در هر زبانی، دانش واژگانی خود را با در کمترین زمان گسترش دهید.

بسیاری از واژگان از سه بخش ریشه، پیشوند و پسوند تشکیل شده‌اند که هر کدام از این سه بخش و انواع آنها، می‌تواند سبب تولید کلمات جدید با معنای متفاوتی شود. به طور مثال شما می‌توانید با یادگیری پیشوندهای منفی‌ساز، به این امر پی ببرید که اگر هر کدام از آن پیشوندها در ابتدا کلمه‌ای بیاید، معنا و مفهوم منفی به آن لغت می‌دهد و یا در قسمت پسوندها، با چه پسوندی می‌توان اسم، صفت و یا قید ساخت. به تعبیر دیگر شما با یادگیری هر واژه و لغت، و فراگیری نحوه انواع لغت، می‌توانید از با استفاده از واژگان آموخته شده، چندین برابر لغت جدید بسازید که این امر سبب می‌شود که در زمان شما صرفه‌جویی شده و همچنین در صورت برخورد با واژه‌ای جدید که معنی آن را به نمی‌دانید، توسط اصول ساخت لغت، آن واژه را آنالیز کرده و معنای حدودی و یا حتی دقیق آن را حدس بزنید.

در ادامه جداول مربوط به پیشوندها، پسوندها و ریشه‌یابی افعال آمده است.

پیشوند / پسوند	ترجمه	مثال	ترجمه
a-,an-	پیشوند منفی ساز، بدون، بی	atypical	غیر معمولی
		anarchy	هرج و مرج
		anonymous	گمنام
		amorphous	بی شکل
ab-,abs-	پیشوند منفی ساز، به معنی دور، جدا، غیر	abnormal	غیر عادی
		abduct	آدم ربایی کردن
		abscond	گریختن
		absent	غایب
ante-	قبل از، پیش از، جلو	antedate	جلو انداختن
		antecedent	مقدم، پیشی
		antebellum	قبل از جنگ
		anterior	مقدم
ant-,anti-	ضد، مخالف	antidote	پادزهر
		antagonist	معارض، ضد
		antipathy	نفرت، ضدیت
bi-	دو	bisect	دو نیم کردن
		bilateral	دوجانبه
		bicameral	دومجلسی
circum-	پیرامون، اطراف	circumference	محیط
		circumnavigate	دور زدن
		circumspect	محتاط، محافظه کار
co-,com-,con-	باهم، یکدیگر	cooperate	همکاری کردن
		community	جامعه، وحدت
		consensus	هم رأیی
		collaborate	همکاری کردن
		communicate	ارتباط برقرار کردن
contra-	ضد، مخالف	contradict	تناقض داشتن
		contravene	تخطی کردن
counter-	ضد، علیه	counterclockwise	خلاف عقربه های ساعت
		countermeasure	اقدام متقابل
		counterpart	طرف مقابل، همتا

پیشوند/پسوند	ترجمه	مثال	ترجمه
de-	گیرنده، کاهنده (پیشوند منفی‌ساز)	deactivate	غیرفعال کردن
		dethrone	عزل کردن
		detract	کاستن
dis-	پیشوند منفی‌ساز	disperse	متفرق کردن
		disinterested	بی‌علاقه
duo-	دو	duo	زوج
		duality	دوگانگی
over-	بیش از، خیلی	overabundance	وفور
		overestimate	زیادی بها دادن
poly-	چند	polytechnic	پلی‌تکنیک
		polyglot	چند زبانی
post-	بعد، پس از	postpone	به عقب انداختن
		postmodern	پست مدرن
		postoperative	پس از عمل جراحی
pre-	قبل، پیش از	precaution	احتیاط
		precede	مقدم بودن
		presage	نشانه‌چیزی بودن
		predict	پیش‌بینی کردن
pro-	به‌سوی جلو	proceed	پیش رفتن
		proclivity	گرایش (به کار بد)
		progress	پیشرفت
pseudo-	کاذب، جعلی	pseudoscience	شبه علم
re-	دوباره	recall	به‌یادآوردن
		reconcile	آشتی دادن
		rescind	لغو کردن
semi-	نیم، نیمه	semiannual	نیم ساله
		semiconscious	نیمه هوشیار
sub-	زیر	subdue	مهار کردن
		subjugate	به‌زانو درآوردن
super-	فوق، برتر	superhero	ابرقهرمان
		superficial	سطحی
		supercilious	متکبر
		superior	مافوق

پیشوند / پسوند	ترجمه	مثال	ترجمه
trans-	سرتاسر، وری	transmit	فرستادن
		translate	ترجمه کردن
		transform	تغییر شکل دادن
tri-	سه	triangle	مثلث
un-	پیشوند منفی ساز، نا، بی ...	unable	ناتوان
		uninterested	بی علاقه
		unorthodox	نامتعارف
		unequal	نابرابر
		untenable	غیرقابل دفاع
		uncommon	غیر عادی
		unmanageable	رام نشدنی
uni-	یک، تک	unite	متحد کردن
		uniform	یک دست
		unilateral	یک طرفه
-ist	کننده، پیرو	anarchist	آشوبگر
		feminist	طرفدار حقوق زنان
		imperialist	امپریالیست

جدول پسوندهای اسم‌ساز

پسوند اسم‌ساز	مفهوم	واژه	ترجمه	اسم	ترجمه
-tion -ition -ation	عمل یا وضعیت پیامد	translate	ترجمه کردن	translation	ترجمه
		compete	رقابت کردن	competition	رقابت
		pronounce	تلفظ کردن	pronunciation	تلفظ
-age	عمل، حالت، فرایند	marry	ازدواج کردن	marriage	ازدواج
-ment	حالت، وضعیت، عمل	move	حرکت کردن	movement	حرکت
-ure	عمل یا وضعیتی که پیامد چیزی هست	please	خوشحال کردن	pleasure	خوشی و تفریح
-er-or-ar	انجام‌دهنده	teach	تدریس کردن	teacher	معلم
-ice	حالت، وضعیت	serve	خدمت کردن	service	خدمت
-y-ty-ity	حالت یا وضعیت	discover	کشف کردن	discovery	اکتشاف
		safe	امن، ایمن	safety	امنیت
-ant-ent	شخص، ابزار، فاعل (انجام‌دهنده)	assist	کمک کردن	assistant	دستیار
		depend	وابسته بودن	dependent	وابستگی
-ing	عمل، حالت، فرایند	walk	راه رفتن	walking	پیاده‌روی
-ence-ance	عمل، حالت، وضعیت یا کیفیت	differ	اختلاف داشتن	deference	تفاوت
		perform	اجرا کردن	performance	اجرا، عملکرد
-sion-ion	عمل یا وضعیتی که پیامد چیزی هست	invent	اختراع کردن	invention	اختراع
		persuade	وسوسه کردن	persuasion	وسوسه
-ery	یک کار یا تجارت، نوعی رفتار، یک وضعیت	cream	کرم، خامه	creamery	لبنیاتی
-ness	حالت، وضعیت، کیفیت	happy	خوشحال	happiness	خوشحالی
-th	وضعیت	grow	رشد کردن	growth	رشد و نمو
-ist	کسی که عملی را انجام می‌دهد	tour	گردش کردن	tourist	گردشگر
		feminine	زنانه	feminist	طرفدار حقوق زنان
-ism	حالت، عمل	ideal	ایده‌آل، خوشایند	idealism	کمال‌گرا
-ster	کسی که به چیزی مرتبط است	young	جوان (صفت)	youngster	جوان (اسم)
-ee	شخص، ابزار	employ	استخدام کردن	employee	کارمند
-dom	حالت، وضعیت، بزرگی و مقام، کار	king	پادشاه	kingdom	پادشاهی، حکومت
-ship	حالت، وضعیت، مهارت، کار، مرتبط با	friend	دوست	friendship	رابطه دوستی
-hood	حالت، جمع	neighbor	همسایه	neighborhood	همسایگی، محله

جدول پسوندهای صفت‌ساز

پسوند صفت‌ساز	مثال			
-al-ial-ical	central	مرکزی	political	سیاسی
	educational	تحصیلی	historical	تاریخی
-ent-ant	different	متفاوت	important	مهم
-ive	attractive	جذاب	effective	موثر
-ous-ilous	nervous	عصبی	famous	مشهور
-ful-full	beautiful	زیبا	careful	بادقت
-less	endless	بی‌انتهای	homeless	بی‌خانمان
-ic	systemic	قاعده‌مند	economic	اقتصادی
-y	rainy	بارانی	dirty	کثیف
-able-ible	countable	قابل‌شمارش	sociable	اجتماعی
	flamable	قابل‌اشتعال	countable	قابل‌شمارش
-ish	childish	بچه‌گانه	greenish	سبزرنگ

فصل دوم:

حروف اضافه و افعال دو قسمتی

فصل دوم: حروف اضافه و افعال دو قسمتی

حروف اضافه اصلی مرتبط با زمان

In:

کاربرد		مثال	
monthseason	ماه و فصل	in Junein winter	In spring
year	سال	in 2005	In last year
decade	دهه	in the 1990s	In the afternoon
century	قرن	in the 18th century	in the evening
era	عصر، دوره	in the Mesozoic era	in the beginning of time

On:

کاربرد		مثال	چند عبارت دیگر
day	روز	on march 12019	on Mather day
week day	روزهای هفته	on Tuesday	on ceremony day

At:

کاربرد		مثال
hour time of day	یک ساعت خاص از روز	at noonat midnightat nightat 3 a.m.

سایر حروف اضافه مربوط به زمان

حرف اضافه	کاربرد	مثال	
since	برای بیان یک نقطه مشخص از زمان بکار می‌رود و به معنای بازه زمانی از آن نقطه تا حال است	since 1980	از سال ۱۹۸۰ (تا الان)
for	برای بیان یک دوره معینی از زمان بکار می‌رود	for 2 years	برای دو سال
ago	برای بیان یک زمان مشخص در گذشته بکار می‌رود	2 years ago	دو سال پیش
before	به معنای «قبل از» است و منظور آن، زمان قبل از زمان مشخص شده است	before 2004	قبل از سال ۲۰۰۴
to/till	ابتدا و انتهای یک بازه زمانی را مشخص می‌کند	from Monday to/till Friday	از دوشنبه تا جمعه
by	بیان می‌کند که تا یک زمان خاص کار انجام می‌شود	by 11 o'clock I had read five pages	تا ساعت ۱۱، پنج صفحه خوانده بودم

حروف اضافه اصلی مرتبط با مکان

IN:

کاربرد	مثال		
city	شهر	in San Francisco	در شهر سانفرانسیسکو
district	ناحیه	in Chinese town	در محله چینی‌ها
region	منطقه	in north America	در امریکای شمالی
atmosphere	فضا و جو	in space/ in the universe	در فضا/ در جهان
car/taxi	ماشین و تاکسی	in the car	در ماشین

ON:

کاربرد	مثال		
street	خیابان	on Enghelab street	در خیابان انقلاب
island and water	جزیره و آب‌ها	on Kish	در جزیره کیش
earth	زمین	On the earth	بر روی زمین
being on the surface	سطوحی که بر روی آن هستیم	on the table	بر روی میز
for a certain side	جهت اصلی	on the left	در سمت چپ
for public transportation	حمل و نقل عمومی	on the bus/plane	در اتوبوس/ هواپیما
for a floor in a house	طبقات خانه	on the second floor	در طبقه دوم
TV	موارد دیگر	on TV	در تلویزیون
radio		on the radio	در رادیو

At:

کاربرد		مثال	
building	در ساختمان‌ها	at home/ at the library	در خانه / کتابخانه
address	برای آدرس دادن یک مکان کاملاً مشخص	at 20 Haight street	در خیابان هایت شماره ۲۰
for event	برای رویدادها	at a concert	در یک کنسرت
ordinary palaces	مکان‌های مشخص روزمره	at school	در مدرسه
		at work	در سرکار
		at the cinema	در سینما

سایر حروف اضافه مربوط به مکان

حرف اضافه	کاربرد	مثال	
above	به معنای «بالای» می‌باشد بدون آنکه تماس مستقیم با چیزی داشته باشد	the picture is above my bed	تصویر، بالای تخت من قرار دارد
over	هنگامی که یک چیز، چیز دیگری را می‌پوشاند	put a jacket over your shirt	روی بلیزت یک ژاکت بپوش
	به معنای «بیش از» بکار می‌رود	over 16 years of age	بیش از ۱۶ سال سن
under	حرکت از یک طرف به طرف دیگر را بیان می‌کند	walk over the bridge	پیاپی در امتداد پل
	به معنای «زیر» است	the bag is under the table	کیف زیر میز است
	به معنای «کمتر» است	These toys are not suitable for children under 5 years	این اسباب‌بازی‌ها برای کودکان زیر ۵ سال مناسب نیستند
below	به معنای «زیر» می‌باشد	she had a total staff of 10 working under her	او ۱۰ کارگر زیردست داشت
	به معنای «زیر» می‌باشد	an animal that lives below the ground	حیوانی که زیر زمین زندگی می‌کند
beneath	به معنای «ورا و آن‌سوی» می‌باشد	The sun raises beneath the mountains	خودشید از آن‌سوی کوه‌ها طلوع می‌کند.
along	به معنای «در طول» و یا «در امتداد» است	a group of children walking along in a line	یک گروه از کودکان که در یک خط راه می‌روند
through	به معنای «از میان» جهت بیان طی کردن یک مسیر از یک طرف به طرف دیگر بین یک گروه از چیزهای مختلف است	we made our way through the village to the farm	ما راهمان را برای رسیدن به روستا از بین مزارع انتخاب کردیم
	به معنای «به طور کامل» است	you are wet through	تو کامل خیس هستی
	به معنای دیدن از داخل چیزی است	I could see her through the window	من می‌توانم او را از پشت پنجره ببینم
	به معنای طول زمان و پایان یک دوره زمانی می‌باشد	the cold weather continued through the winter	هوای سرد در کل زمستان ادامه پیدا کرد

بخش دوم: حروف اضافه و افعال دو قسمتی / ۱۹

حرف اضافه	کاربرد	مثال	
across	به معنای از یک طرف به طرف دیگر است	they ran straight across the road	آنها در امتداد مستقیم جاده دویدند
	به معنای آن است که چیزی وجود دارد و یک طرف را به طرف دیگر متصل می کند مانند پل	there isn't a bridge across the road	پلی در امتداد جاده وجود ندارد
beside	به معنای «در کنار» می باشد	jane is standing (beside/ next to) the car	جین در کنار اتومبیل ایستاده است
next to			
into	جهت وارد شدن به جایی بکار می رود	you shouldn't go into the kitchen	تو نباید به آشپزخانه می رفتی
about	به معنای «درباره» می باشد	a book about politic	یک کتاب درباره سیاست
	به معنای «در اطراف» می باشد	we are walking about a town	ما داریم در اطراف شهر قدم می زنیم
	به معنای «در حدود» می باشد	they arrived about 11 o'clock	آنها حدود ساعت ۱۱ رسیدند
with	به معنای «با»، «به همراه» می باشد	I always wear these shoes with this dress	من همیشه این کفش ها را به همراه این لباس می پوشم
	به معنای «به علت، از» می باشد	they were trembling with fear	آنها به علت ترس، می لرزیدند
	به معنای «در جهت» می باشد	we sailed with wind	ما در جهت باد سفر (دریاوردی) کردیم
within	به معنای «در ظرف، در مدت» می باشد	we should have the test results back within 24 hours	ما باید در طی ۲۴ ساعت پاسخ امتحان را برگردانیم
	به معنای داخل می باشد	the rooms within were richly furnished	داخل اتاق ها مبلمان گران قیمتی بود
	به معنای «به اندازه، در حدود» می باشد	spend within your income	به اندازه درآمدت خرج کن!

جدول افعال دو قسمتی پر کاربرد

anxious	مضطرب از	regret	پشیمان بودن	nervous	مضطرب بودن	about
happy	خوشحال از	excited	شگفت زده از	angry	عصبانی بودن از	
care	دغدغه داشتن	annoyed	عصبانی از	worry	نگران بودن	
bored	خسته از	disappointed	نامید	angry	عصبانی	
agree	موافق بودن	suspicious	بدگمان	concern	نگران بودن از	
annoyed	عصبانی شدن از	agree	موافق بودن	argue	بحث کردن با	
good	مهارت داشتن در	expert	متخصص بودن در	excited	شگفت زده از	at
surprised	غافلگیر کننده	amazed	متعجب از چیزی	shocked	شوکه از	
concern	نگران بودن از	ashamed	شرمنده بودن	angry	عصبانی بودن از	
angry	عصبانی از	responsible	مسئول بودن	annoyed	عصبانی از	
care	مراقبت یا توجه	worry	اهمیت دادن به	hopeless	نامید از	for
famous	مشهور شدن	disappointed	نامید	necessary	لازم بودن برای	
account	توضیح دادن درباره	apologize	معذرت خواستن	notorious	بدنام	
anxious	مضطرب از	well-known	شناخته شده برای	sorry	متأسف بودن	
fear	ترس و دلهره از	happy	خوشحال از	ask	تقاضا کردن برای	
care	مراقبت یا توجه	envious	حسادت/خواستن	nervous	مضطرب بودن	
tired	خسته	advantage	مزیت چیزی	capable	قادر به انجام کاری	of
aware	آگاه	ashamed	شرمنده بودن	afraid	ترسیده	
proud	مغرور	conscious	آگاه	capable	توانا	
full	پر از	frightened	وحشت زده	fond	علاقه مند	
suspicious	بدگمان	account	توضیح دادن	fear	ترس و دلهره از	
belong	تعلق داشتن	dedicated	اختصاص یافته	agree	موافق بودن	
proud	مغرور	disappointed	نامید	similar	مشابه	
identical	مشابه	accustomed	عادت کردن	addicted	معتاد	
agree	موافق بودن	related	مرتبط	opposed	مخالف	
apply	درخواست و تقاضا	wait	منتظر شدن	regret	پشیمان بودن	
fear	ترس و دلهره از	happy	خوشحال از	ask	تقاضا کردن برای	
worry	اهمیت دادن به	responsible	قابل اعتماد برای	anxious	مضطرب از	
concern	نگران بودن از	apologize	معذرت خواستن	necessary	لازم بودن برای	
excited	شگفت زده از	surprised	غافلگیر کننده	attach	ضمیمه کردن به	
amazed	متعجب از چیزی	committed	متعهد به	reaction	عکس العمل به	

بخش دوم: حروف اضافه و افعال دو قسمتی / ۲۱

bored	کسل شدن با	annoyed	عصبانی شدن از	angry	عصبانی بودن از	with
agree	موافق بودن	disappointed	نامید	satisfied	راضی	
argue	بحث کردن با	catch up	به چیزی رسیدن	compare	مقایسه کردن با	
happy	خوشحال بودن برای	hopeless	نامید از	good	مهارت داشتن در	
annoyed	عصبانی از	identical	مشابه	bored	خسته از	
agree	موافق بودن	angry	عصبانی	familiar	آشنا با	
involved	درگیر	believe	باور داشتن به	delay	تاخیر در	in
expert	متخصص بودن در	disappointed	نامید	identical	مشابه	
similar	مشابه	interested	علاقه مند	belong	تعلق داشتن	
based	مبتنی	keen	مشتاق	agree	موافق بودن	on
expert	متخصص بودن در	agree	موافق بودن	rely	متکی بودن	
borrow	قرض گرفتن از	escape	فرار از	derived	نشأت گرفتن از	from
neglected	نادیده گرفته شدن	disappointed	نامید	annoyed	عصبانی شدن از	by

فصل سوم

مجموعه ۹۰۰ لغت پرتکرار

آزمون‌های زبان دکتری

	تلفظ / واژه	مترادف‌ها / مشتقات
1	state	statement.n (بیانیه، اعلامیه) state.n (وضعیت، شرایط، ایالت، دولت) state.v (اظهار کردن، اعلام کردن)
	/stet/ /ستیت/	syn: government (دولت) condition (شرایط) express (بیان کردن، اظهار کردن، اظهار کردن) announce (اعلام کردن) declare (اعلام کردن، اظهار کردن)
2	pass	pass.v (نمره قبولی، پاس دادن توپ، مجوز، گذرگاه) pass.n (رد شدن، عبور کردن، قبول شدن) passage.n (نهایی یا قبول شده) passed.adj (معبر، مجرا، قطعه نوشته)
	/pæs/ /پس/	syn: channel (مجرا) corridor (راهرو) path (راه، گذر، راه) certificate (مجوز) transfer (جابجایی)
3	enlarge	enlarge.v (بزرگ‌سازی، گسترش دادن) enlargement.n (بزرگ کردن، توسعه دادن) enlarged.adj (متورم) large.adj (بزرگ) largely.adv (عمدتاً)
	/ɪnˈlɑ:rdʒ/ /این لارج/	syn: expand (گسترش دادن) magnify (بزرگ کردن) amplify (وسعت دادن) develop (افزایش دادن) augment (توسعه دادن)
4	people	people.n (جمعیت، مردم) people.v (ساکن شدن، آباد کردن) population.n (جمعیت) populate.v (ساکن شدن)
	/'pi:pəl/ /پپیل/	syn: citizens (شهروندان) community (جامعه) folks (مردم) society (ساکنین) inhabitants (ساکنین)
5	differ	differ.v (تفکیک و تمایز) differentiation.n (تفکیک و تمایز) differentiate.v (از هم متمایز کردن) differential.adj (ناهمسانی) difference.n (متنوع) differing.n (مختلف، متفاوت) different.adj (تفاوت) indifference.n (بی تفاوتی، بی توجهی) differently.adv (به طور متفاوت)
	/'dɪfər/ /دیفر/	syn: diverge (اختلاف داشتن) disagree (مخالفت کردن) contrast (مغایر بودن) dissimilar (متفاوت) distinguish (متمایز کردن)
6	lead	lead.v (تقدم، رهبری، سرنخ سرب، گلوله) leader.n (راهنما، رهبر) lead.n (سرنخ، هدایت کردن، پیش‌گام بودن)
	/li:d/ /لید/	syn: hint (سرنخ) forefront (در صدر) precede (مقدم بودن) conduct (هدایت کردن) guide (راهنمایی کردن) principal (بازیر اصلی)
7	produce	produce.v (محصول) productivity.n (حاصل‌خیزی) produce.n (تولید) produced.adj (تولید شده) product.n (محصول) production.n (تولید) productive.adj (پر حاصل) producer.n (قابل تکثیر) reproduce.v (تولید کننده) reproduce.v (بازتولید یا تکثیر کردن) reproducible.adj (تولید کردن)
	/prəˈdu:s/ /پر دوس/	syn: generate (تولید کردن) manufacture (تولید کردن) yield (تولید کردن)
8	know	know.v (ناشناخته) knowledge.n (دانش، آگاهی) unknown.adj (شناخته) knowledgeable.adj (معروف، شناخته شده) known.adj (دانا، آگاه)
	/nɒ/ /نُو/	syn: recognize (شناختن) be aware (آگاه بودن) acquaint (آشنایی پیدا کردن) comprehend (دریافتن، فهمیدن) realize (دریافتن، فهمیدن) perceive (دریافتن، فهمیدن)
9	import	import.v (وارد کردن، معنی دادن) import.n (واردات) importation.n (وارد، ورود، واردات) imported.adj (مهم) importer.n (وارد کننده) important.adj (مهم)
	/'ɪmpɔ:rt/ /امپُرت/	syn: bring in (وارد کردن) introduce (وارد کردن) ship (فرستادن، ترابری کردن) indicate (حاکمی بودن)
10	unit	unit.n (واحد، بخش) unity.n (وحدت، یگانگی) unite.v (متحد یا یکی کردن) united.adj (متحد، یکپارچه)
	/'ju:nɪt/ /یونیت/	syn: component (جزء) element (عنصر) section (قسمت) segment (بخش)

	تلفظ / واژه	مترادفها / مشتقات
11	form	form.v (شکل گرفتن، فرم دادن) reform.v/n (اصلاح کردن) formal.adj (رسمی) form.n (شکل، وجه، برهه) transform.v (تغییر شکل دادن) formality.n (تشریفات) formation.n (شکل گیری) formative.adj (سازنده) formed.adj (فرم گرفته) deformed.adj (بدشکل) former.adj (قبلی) formalize.v (رسمی کردن)
	/fɔ:rm/ /فُرم/	syn: shape (شکل) structure (ساختار) configuration (پیچربندی) pattern (الگو) format (فرمت)
12	human	human.n (انسان) humanity.n (بشریت) humanitarian.n/adj (انسان دوستانه) humanism.n (انسان گرایی) human.adj (انسانی) inhuman.adj (غیرانسانی)
	/'hju:mən/ /هیومن/	syn: homo sapiens (انسان امروزی) mankind (بشر)
13	profess	profess.v (ادعا کردن، اظهار داشتن) profession.n (شغل، حرفه) professional.adj (حرفه‌ای) professor.n (استاد دانشگاه)
	/prə'fes/ /پرفس/	syn: claim (ادعا کردن) assert (تأکید کردن) announce (اعلام کردن)
14	accord	accord.n (توافق، سازش) accord.v (موافقت کردن، هماهنگ بودن) accordance/according.n (مطابقت) accordant.adj (موافق، هماهنگ)
	/ə'kɔ:rd/ /اُکُرد/	syn: agreement (توافق) harmony (هماهنگی) concord (همسویی)
15	find	find.v (کشف کردن، یافتن) finding.n (کشف، اکتشاف، یافته‌ها) found.adj (کشف شده) find out.v (فهمیدن)
	/faɪnd/ /فایند/	syn: discover (کشف کردن) uncover (کشف کردن) spot (پیدا کردن) detect (کشف کردن)
16	act	act.v (اثر کردن، رفتار کردن، عمل کردن) act.n (عمل، اجرا، قانون) actor.n (بازیگر) activity.n (فعالیت) action.n (فعل، کنش) overact.v (اغراق آمیز نقش ایفا کردن) active.adj (فعال) reaction.n (عکس العمل) interaction.n (کنش و واکنش)
	/ækt/ /اُکت/	syn: perform (اجرا کردن) execute (اجرا کردن) accomplish (اجرا کردن) carry out (اجرا کردن)
17	specie	specie.n (نوع، گونه)
	/'spi:ʃi: /سپیشز/	syn: breed (نوع، گونه) genre (نوع) kind (نوع، گونه) type (نوع، گونه)
18	mean	mean.v (معنی دادن، مقصود داشتن، نشانه چیزی بودن، ارزش داشتن) meaning.n (معنی، منظور، ارزش) mean.adj (میانی) mean.n (حد وسط) average (میانگین)
	/mi:n/ /مین/	syn: intend (قصد داشتن) indicate (نشانه بودن) matter (اهمیت داشتن)
19	develop	develop.v (توسعه و رشد دادن/یافتن، دچار شدن، ایجاد کردن) development.n (توسعه دهنده) developer.n (پیشرفت و توسعه، پیش روی)
	/dɪ'veləp/ /دِولپ/	syn: grow (رشد کردن) evolve (تکامل یافتن) progress (پیشرفت کردن) expand (توسعه دادن) advancement (پیشرفت)
20	history	history.n (سابقه، تاریخ) historic/cal.adj (تاریخی) historian.n (مورخ) historically.adv (از منظر تاریخی) prehistory.n (ماقبل تاریخ)
	/'hɪstəri/ /هِستِری/	syn: chronicle (تاریخچه) record (سابقه) annals (تاریخچه) narrative (سرگذشت، روایت) account (حکایت)

	تلفظ / واژه	مترادفها / مشتقات
21	follow	follow.v (دنبال کردن، پیروی کردن) follower.n (پیرو، دنبال کننده) following.adj (دنبال کننده، پیرو) follow-up.n (ادامه، پیگیری)
	/ˈfɒləʊ/ /فال/	syn: pursue (تعقیب کردن) emulate (تقلید کردن) track (ردیابی کردن) succeed (پیروی کردن)
22	grow	grow.v (رشد کردن، بزرگ شدن) growth.n (رشد، نمو) grown.adj (رشدیافته) grower.n (کشاورز، پرورش دهنده)
	/ɡrəʊ/ /گرو/	syn: develop (توسعه دادن) expand (گسترش دادن) cultivate (کشت کردن)
23	main	main.adj (اصلی، بنیادین) main.n (اصل، منبع) mainly.adv (اساساً)
	/meɪn/ /ماین/	syn: principal (اصلی) primary (اصلی) chief (اصلی) key (عمده، کلیدی)
24	vary	vary.v (متغیر بودن، تغییر دادن، بی ثبات کردن) various.adj (متنوع، گوناگون) variety.n (تنوع) variance.n (مغایرت، اختلاف) variation.n (بی ثباتی) variable.adj (ناپایداری، بی ثبات)
	/ˈveri/ /وری/	syn: alter (تغییر دادن) differ (متمایز بودن) diversity (تنوع، گوناگونی) disparity (مغایرت، اختلاف) fluctuate (نوسان داشتن، ثابت نبودن)
25	plant	plant.n (کارخانه، نیروگاه) plant.v (کاشتن، مستقر کردن) plantation.n (مزرعه، کشت و زرع)
	/plænt/ /پلنت/	syn: root (کاشتن، ریشه دواندن) seed (کاشتن) establish (مستقر کردن) factory (کارخانه) field (مزرعه) farm (مزرعه)
26	theory	theory.n (نظریه) theorize.v (نظریه پردازی کردن) theoretical.adj (نظری) theorization.n (استدلال نظری) theoretically.adv (از لحاظ نظری)
	/ˈθi:əri/ /ثیری/	syn: hypothesis (فرضیه) concept (مفهوم، تصور کلی) assumption (فرض) conjecture (تصور، انگاره) idea (حدس و فرضیه)
27	society	society.n (اجتماع، گروه، محفل، جامعه، محفل) social.adj (اجتماعی) sociable.adj (معاشرت کردن) socialize.v (معاشرت کردن)
	/səˈsaɪəti/ /سِ سائیتی/	syn: community (اجتماع، انجمن) circle (محفل) gregarious (جمعیت دوست) affable hang out (وقت گذراندن با کسی) (دوست داشتنی)
28	discuss	discuss.v (بحث کردن) discussion.n (بحث، مذاکره، گفتگو) discussable.adj (قابل بحث)
	/dɪˈskʌs/ /دیس کاس/	syn: converse (گفتگو کردن) dispute (بحث کردن) debate (بحث کردن) argue (گفتگو و بحث کردن)
29	access	access.n (مدخل) access.v (دسترسی داشتن) accessibility.n (دسترسی) accessible.adj (در دسترس، قابل نفوذ)
	/ˈækses/ /آکسس/	syn: entry (مدخل) entrance (ورودی) availability (در دسترس بودن) reach (دسترسی) approach (دسترسی)
30	increase	increase.v (افزایش دادن، بیشتر کردن) increase.n (افزایش) incremental.adj (تدریجی)
	/ɪnˈkri:s/ /ان کریس/	syn: augment (افزودن) raise (افزایش دادن) expand (بالا بردن، گسترش دادن)

تست‌های چهارگزینه‌ای بخش اول:

1. Most tourists in Isfahan were from northern Europe, from Denmark and Sweden.
1) absolutely 2) profoundly 3) predominantly 4) pleasurably
2. I can't my mind about what to do next.
1) make up 2) think over 3) search for 4) put on
3. The factory was given a safety inspection three months ago.
1) durable 2) comprehensive 3) momentary 4) mortal
4. My driving instructor had the importance of driving carefully, especially in wet weather.
1) commented 2) emphasized 3) promised 4) insured
5. Make sure you choose your words carefully when you talk to Jim. He is known to be easily
- 1) relevant 2) mysterious 3) optimistic 4) offended
6. I was that I had seen the convict before.
1) optimistic 2) positive 3) encouraging 4) hopeful
7. Test instructions were not clear for us to understand.
1) abundantly 2) comprehensively 3) sufficiently 4) orderly
8. The increased attention to racial issues a major change in American attitudes towards race.
1) signifies 2) interprets 3) retains 4) infers
9. Companies are finding it difficult to meet the challenges of digital transformation.
1) haphazardly 2) briefly 3) exceedingly 4) accidentally
10. Mr. Johnson seems to have a considerable sum of money at his
- 1) interest 2) disposal 3) profit 4) advantage
11. It takes years to as a competent teacher.
1) qualify 2) practice 3) become 4) endure
12. The building should be preserved because of its historical
- 1) significance 2) estimation 3) judgment 4) inference
13. The results of our last experiment are..... in accordance with our predictions.
1) closely 2) curiously 3) tediously 4) orderly
14. Since the boat was to be safe, we didn't have our lifeboats on.
1) considered 2) rejected 3) realized 4) challenged
15. We were disturbed by the news.
1) attractively 2) pleasantly 3) amusingly 4) profoundly

16. I must John to return the book that he has borrowed.

- 1) remind 2) recall 3) remember 4) retain

17. The man was found guilty of destroying his neighbor's property.

- 1) nervously 2) deliberately 3) shockingly 4) momentarily

18. Those children have special educational needs and a lot of attention.

- 1) require 2) involve 3) submit 4) request

19. The teacher tried to clarify the issue more by using another example more familiar to the students.

- 1) emphatically 2) clearly 3) highly 4) promptly

20. Medical doctors work with scientists to develop new drugs.

- 1) randomly 2) individually 3) independently 4) cooperatively

21. Jim failed to the school's requirements for graduation.

- 1) meet 2) accept 3) refuse 4) manage

22. My students are expected not only to explain what they have done but also ... the results of their experiments.

- 1) to manipulate 2) to assemble 3) to acquire 4) to analyze

23. If you want to get a better job, you must your skills.

- 1) upgrade 2) reject 3) supply 4) assure

24. All the teachers are about Jim's poor results in the final examination.

- 1) concerned 2) interested 3) amused 4) ignored

25. Before chapter one, usually, there is a brief in which the author explains why he wrote the book.

- 1) foreword 2) revision 3) appendix 4) procedure

26. Thousands of animal species around the world are with extinction.

- 1) threatened 2) devoted 3) pleased 4) terminated

27. John was doing a convincing job in the company.

- 1) smoothly 2) willingly 3) fluently 4) surprisingly

28. Mr. Johnson was found guilty of destroying his neighbor's property.

- 1) nervously 2) momentarily 3) unintentionally 4) deliberately

29. We all make our own and live with the results.

- 1) occasions 2) choices 3) preferences 4) hopes

30. Theories are important, but we must have evidence to support them.

- 1) empirical 2) realistic 3) sensible 4) erroneous

پاسخنامه کلیدی بخش اول					
سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
1	3	31	4	61	2
2	1	32	1	62	4
3	2	33	1	63	2
4	2	34	3	64	2
5	4	35	3	65	3
6	4	36	4	66	2
7	3	37	2		
8	1	38	1		
9	3	39	4		
10	2	40	1		
11	1	41	2		
12	1	42	2		
13	1	43	3		
14	1	44	4		
15	4	45	3		
16	2	46	4		
17	2	47	3		
18	1	48	2		
19	2	49	1		
20	4	50	2		
21	1	51	3		
22	4	52	1		
23	1	53	1		
24	1	54	1		
25	1	55	1		
26	1	56	4		
27	4	57	2		
28	4	58	2		
29	2	59	1		
30	2	60	3		

پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهارگزینه‌ای بخش اول

۱. بیشتر گردشگران اصفهان از شمال اروپا و از دانمارک و سوئد بودند.
 - (۱) کاملاً (۲) عمیقاً (۳) غالباً (۴) لذت‌بخش
۲. من نمی‌توانم ذهن خود را در مورد آنچه که در مرحله بعد باید انجام دهم.
 - (۱) مرتب کردن (۲) فکر کردن (۳) جستجو کردن (۴) پوشیدن
۳. سه ماه پیش بازرسی ایمنی از کارخانه انجام شد.
 - (۱) بادوام (۲) جامع (۳) لحظه‌ای (۴) فانی
۴. مربی رانندگی من بر اهمیت رانندگی با احتیاط بخصوص در هوای مرطوب
 - (۱) نظر دادن (۲) تاکید کردن (۳) قول دادن (۴) بیمه شده
۵. هنگام صحبت با جیم مطمئن شوید که کلمات خود را با دقت انتخاب می‌کنید. معروف است که به راحتی می‌شود.
 - (۱) مرتبط (۲) مرموز (۳) خوش‌بینانه (۴) رنجیده خاطر، ناراحت
۶. بودم که محکوم را قبلاً دیده باشم.
 - (۱) خوش‌بینانه (۲) مثبت (۳) تشویق‌کننده (۴) امیدوار
۷. دستورالعمل‌های آزمون برای فهمیدن ما واضح نبود.
 - (۱) فراوان (۲) به طور جامع (۳) به اندازه کافی (۴) منظم
۸. افزایش توجه به مسائل نژادی تغییر عمده در نگرش آمریکایی‌ها نسبت به نژاد است.
 - (۱) دلالت کردن (۲) تفسیر کردن (۳) حفظ کردن (۴) استنباط کردن
۹. شرکت‌ها مواجه شدن با چالش‌های تحول دیجیتال را دشوار می‌دانند.
 - (۱) به طور اتفاقی، برحسب تصادف (۲) به طور کوتاه و خلاصه (۳) بیش از حد (۴) به طور تصادفی
۱۰. به نظر می‌آید آقای جانسون مقدار قابل توجهی پول دارد.
 - (۱) علاقه، سود و منفعت (۲) در اختیار، در دسترس (۳) منفعت (۴) سود، مزیت
۱۱. سال‌ها طول می‌کشد تا به عنوان یک معلم توانا (مثل یک معلم توانمند شوی)
 - (۱) شایستگی پیدا کردن (۲) تمرین کردن (۳) تبدیل شدن (۴) تحمل کردن
۱۲. ساختمان باید به خاطر تاریخی‌اش، حفظ شود.
 - (۱) اهمیت، ارزش (۲) تقریب، برآورد (۳) قضاوت (۴) استنباط
۱۳. نتایج آخرین آزمایش ما، با پیش‌بینی‌های ما تطابق دارد.
 - (۱) تقریباً (۲) با کنجکاوی (۳) خسته‌کننده (۴) منظم
۱۴. از آنجایی که به نظر می‌رسید قایق ایمن است، ما قایق‌های نجات را نبردیم.
 - (۱) در نظر گرفته شدن (۲) رد شدن (۳) متوجه شدن (۴) به چالش افتادن
۱۵. ما از آن خبر پریشان و ناراحت بودیم.
 - (۱) جذاب (۲) به طور دلپذیر (۳) سرگرم‌کننده (۴) عمیقاً

۱۶. باید به جان کتابی که قرض گرفته را برگرداند.
- (۱) یادآوری کردن (۲) یادآوری کردن (۳) به خاطر آوردن (۴) حفظ کردن
۱۷. مرد به خاطر از بین بردن املاک همسایه اش، گناهکار شناخته شد.
- (۱) عصبی (۲) عامدانه (۳) تعجب برانگیز (۴) لحظه ای
۱۸. آن کودکان نیازهای ویژه آموزشی دارند و به توجه زیادی
 (۱) نیاز دارند (۲) درگیر هستند (۳) ارائه می دهند (۴) درخواست می کنند
۱۹. معلم سعی کرد با استفاده از مثالی دیگر که برای دانش آموزان آشنا تر است، موضوع را مشخص کند.
- (۱) با تاکید (۲) به روشنی (۳) بسیار (۴) بی درنگ
۲۰. پزشکان داروساز برای تولید داروهای جدید با دانشمندان می کنند.
- (۱) به طور تصادفی (۲) به طور جداگانه (۳) به طور مستقل (۴) مشارکت
۲۱. جیم نتوانست الزامات مدرسه را برای فارغ التحصیلی
 (۱) ملاقات کردن، برآورده کردن (۲) پذیرفتن
 (۳) امتناع، رد کردن (۴) مدیریت کردن
۲۲. از دانش آموزان من انتظار می رود نه تنها کارهایی را که انجام داده اند، توضیح دهند، بلکه نتایج آزمایش ها خود را نیز
 (۱) دست کاری کردن، بامهارت انجام دادن (۲) جمع کردن، فراهم آوردن، انباشتن
 (۳) به دست آوردن، حاصل کردن (۴) تجزیه و تحلیل کردن
۲۳. اگر می خواهید شغل بهتری پیدا کنید، باید مهارت های خود را
 (۱) ارتقا دادن، بالا بردن (۲) رد کردن، نپذیرفتن، امتناع کردن
 (۳) تدارک دیدن، تهیه کردن (۴) اطمینان دادن، خاطر جمع کردن
۲۴. همه معلمان نتایج ضعیف جیم در امتحان نهایی هستند.
- (۱) نگران (۲) علاقه مند (۳) سرگرم شده، خوشحال (۴) نادیده گرفته شده
۲۵. قبل از فصل اول، معمولاً یک مختصر وجود دارد که در آن، نویسنده دلیل نوشتن کتاب را توضیح می دهد.
- (۱) پیش گفتار (۲) تجدیدنظر، اصلاح (۳) پیوست، ضمیمه (۴) روش، روند
۲۶. هزاران گونه جانوری در سراسر جهان، با خطر منقرض شدن
 (۱) تهدید شدن (۲) تعهد داشتن (۳) راضی بودن، خوشحال شدن (۴) فسخ شدن
۲۷. ، جان شغل معقول (متقاعدکننده ای) در شرکت داشت.
- (۱) به آرامی (۲) با رضایت (۳) روان (۴) با کمال تعجب
۲۸. آقای جانسون به خاطر خراب کردن املاک همسایه اش، گناهکار اعلام شد.
- (۱) عصبی (۲) لحظه ای (۳) غیر عمدی (۴) عامدانه، عمدی
۲۹. همه ما می گیریم و با نتایج آن زندگی می کنیم.
- (۱) موقعیت ها (۲) تصمیم ها (۳) ترجیحات (۴) امیدها
۳۰. تئوری ها مهم هستند ولی باید مدرک برای پشتیبانی از آن ها داشته باشیم.
- (۱) تجربی (۲) واقع بینانه (۳) معقول (۴) نادرست

بخش دوم واژگان

	تلفظ / واژه	مترادفها / مشتقات
301	technique	technique.n (متخصص) technicality.n (مسئله جزئی) technician.n (فنی، تکنیک) technical.adj (فنی) technically.adv (از لحاظ فنی)
	/tek'ni:k/ /تک نیک/	syn: method (روش) approach (رویه) tactic (تاکتیک) system (سیستم) skill (مهارت)
302	tend	tend.v (متماایل بودن، نگهداری کردن) tendency.n (تمایل) tendentious.adj (متماایل) tendentiously.adv (طرفداران)
	/tend/ /تند/	syn: incline (متماایل بودن) lean (خم شدن، متمایل بودن) bend (خم کردن، متمایل بودن) sway (خمیدن) tilt (خمیدن)
303	vast	vast.adj (بسیار وسیع) vastness.n (وسعت، عظمت) vastly.adv (به طور وسیع)
	/væst/ /وست/	syn: extensive (گسترده) broad (گسترده) expansive (گسترده) wide (وسیع) huge (بزرگ) immense (عظیم)
304	access	access.n (مدخل، دسترسی) accessibility.n (دسترسی) accessible.adj (در دسترس) access.v (نزدیک شدن، دسترسی داشتن)
	/'ækses/ /آکسس/	syn: entry (مدخل) entrance (ورودی) availability (در دسترس بودن) reach (دسترسی) approach (دسترسی)
305	account	account.n (حساب) account.v (حساب کردن) accountable.adj (مسئول) accountant.n (حسابدار)
	/ə'kaʊnt/ /اِکَوْنْت/	syn: report (گزارش) record (ضبط) narrative (راوی) explanation (توضیح)
306	adapt	adapt.v (تطبیق دادن) adaptable.adj (قابل تطبیق) adaptation.n (تطبیق)
	/ə'dæpt/ /اِدِپْت/	syn: adjust (تنظیم کردن) modify (تغییر دادن) alter (تغییر دادن) conform (مطابقت داشتن)
307	agree	agree.v (موافقت کردن، قبول کردن، با هم تطبیق کردن) agreed.adj (مورد توافق) disagree.v (مخالف کردن) agreement.n (توافق) agreeable.adj (دلپذیر، سازگار) agreeably.adj (به طور مطبوع)
	/ə'gri:/ /اِگ ری/	syn: concur (موافقت کردن) assent (رضایت) accede (پذیرفتن) consent (رضایت) comply (موافقت کردن)
308	belong	belong.v (تعلق داشتن) belonging.n (متعلقات) belongings (اموال شخصی)
	/bɪ'lɔ:ŋ/ /بِ لَانْگ/	syn: pertain (متعلق بودن) relate (ارتباط داشتن) appertain (مرتبط بودن) attach (پیوستن) associate (هم پیوند کردن)
309	commit	commit.v (مرتکب شدن، متعهد کردن) committed.adj (متعهد) commitment.n (تعهد)
	/kə'mɪt/ /کِ مِ ت/	syn: engage (متعهد کردن) undertake (متعهد کردن) pledge (متعهد شدن) dedication (تعهد)
310	dense	dense.adj (سفت، متراکم) density.n (سفتی، ضخامت، چگالی) densely.adv (به طور انبوه) densify.v (متراکم کردن)
	/dens/ /دِنْس/	syn: thick (ضخیم) rigid (سفت) tough (سفت) compact (متراکم) accumulated (متراکم) compressed (متراکم)

	تلفظ / واژه	مترادفها / مشتقات
311	ecology	ecology.n (بوم‌شناسی، شناخت محیط‌زیست) ecologist.n (بوم‌شناس) ecological.adj (زیست‌محیطی) ecologically.adv (زیست‌شناختی)
	/i'kɑ:lədʒi/ /کالِجی/	syn: environmental science (علم محیط‌زیست) environmental biology (زیست‌شناسی محیطی)
312	enjoy	enjoy.v (لذت بردن، داشتن، حاوی) enjoyable.adj (لذت‌بخش) enjoyment.n (لذت)
	/in'dʒɔɪ/ /ان‌جِی/	syn: relish (لذت بردن) appreciate (قدردانی کردن) savor (طعم دادن) delight in (شادمانی کردن)
313	entire	entire.adj (کلی، تمام) entirely.adv (سرتاسر) entirety.n (تمامیت)
	/in'taɪr/ /ان‌تایر/	syn: whole (کلی) complete (کامل) total (کلی) full (کامل) thorough (کامل)
314	fantasy	fantasy.n (خیال) fantastical.adj (خیالی) fantasize.v (خیال‌پردازی کردن)
	/'fæntəsi/ /فانتِسی/	syn: imagination (تخیل) dream (رؤیا) illusion (توهم) fiction (داستان)
315	feel	feel.v (احساس کردن) feeling.n (احساس) feeler.n (حسگر)
	/fi:l/ /فیل/	syn: sense (حس کردن) experience (تجربه کردن) touch (لمس کردن) perceive (درک کردن)
316	grade	grade.n (درجه، نمره، سطح) grade.v (درجه‌بندی کردن)
	/greɪd/ /گریِد/	syn: level (سطح) rank (رتبه) class (کلاس) category (دسته)
317	last	last.adj (آخرین) last.v (ادامه داشتن) lastly.adv (در نهایت)
	/læst/ /لَست/	syn: final (نهایی) endure (تحمل کردن) survive (زنده ماندن) ultimate (نهایی)
318	military	military.adj (نظامی) military.n (نیروهای مسلح) militarization.n (نظامی‌گری)
	/'mɪlɪtəri/ /میلِتری/	syn: armed forces (نیروهای مسلح) army (ارتش) defense (دفاع) soldierly (سربازی)
319	mountain	mountain.n (کوه) mountainous.adj (کوهستانی) mountaineer.n (کوهنورد)
	/'maʊntɪn/ /مَآونْتین/	syn: peak (قله) hill (تپه) range (رشته کوه) summit (قله)
320	nucleus	nucleus.n (هسته) nuclear.adj (اتمی، هسته‌ای)
	/'nu:kliəs/ /نوکلِیس/	syn: core (هسته) center (مرکز) kernel (هسته)

	تلفظ / واژه	مترادفها / مشتقات
321	pose	pose.v (وضعیت، مرتبه، مکان، شغل، جایگاه) position (قرار گرفته، ایجاد شده) posture.n (نگرش، طرز قرارگیری بدن) feign (وضعیت، ژست) posed.adj (وضعیت، ژست) pose.n (نگرش، طرز قرارگیری بدن)
	/pəʊz/ /پُز/	stance (وضع، حالت) attitude (طرز قرارگیری بدن) gesture (ژست) feign (وایمود کردن) syn: feign
322	prepare	prepare.v (آماده سازی) preparation.n (آمادگی) preparatory.adj (آماده سازی) prepared.adj (مهیا)
	/prɪ'peə/ /پِر پِر/	equip (تجهیز کردن) arrange (چیدن) set up (راه اندازی) ready (آماده) syn: ready
323	rare	rare.adj (ندرت، کمیابی) rarely.adv (به ندرت) rarity.n (ندرت، کمیابی) rarefy.v (رقیق کردن، نادر شدن)
	/rer/ /رِر/	unusual (نادر) infrequent (نادر) uncommon (کمیاب) scarce (کمیاب) syn: scarce unique (یکتا، نادر)
324	rely	rely.v (غیر قابل اعتماد، نامطمئن) unreliable.adj (غیر قابل اعتماد، نامطمئن) reliability.n (اطمینان کننده) reliance.n (اعتماد) reliant.adj (اعتماد کردن)
	/rɪ'laɪ/ /رِ لای/	count on (روی چیزی حساب کردن) depend (وابسته بودن) trust (اعتماد کردن) trustworthy (قابل اعتماد) bank on (روی کسی حساب کردن)
325	respond	respond.v (تأثر، حساسیت، کنشگری) response.n (پاسخ) responsiveness.n (کنش پذیری، حساس) respondent.n (پاسخگو) responsive.adj (واکنش نشان دادن)
	/rɪ'spɑ:nd/ /رِس پَآند/	react (واکنش نشان دادن) answer (جواب دادن) reply (واکنش نشان دادن، پاسخ دادن) acknowledge (جواب دادن)
326	set	set.v (تنظیم کردن) set.n (مجموعه) setting.n (تنظیمات)
	/set/ /سِت/	collection (مجموعه) establish (تأسیس کردن) place (قرار دادن) put (گذاشتن) syn: put
327	site	site.n (مکان، مقر) site.v (قرار گرفتن)
	/saɪt/ /سایت/	ground (زمین) situate (قرار دادن) spot (مکان) place (محل) location (مکان) syn: location
328	stage	stage.n (مرحله، صحنه) stage.v (روی صحنه آوردن، نمایش دادن)
	/steɪdʒ/ /ستیج/	scene (صحنه) period (دوره) step (مرحله) phase (مرحله) platform (صحنه) syn: platform
329	subject	subject.n (موضوع، رشته تحصیلی، شخص، فاعل) subjectivity.n (فردیت) subjective.adj (شخصی) subjected.adj (مطیع) subject.v (مطیع کردن)
	/sʌbdʒɪkt/ /سابجکت/	field (رشته تحصیلی) issue (مسئله) theme (مضمون) topic (موضوع) syn: topic subjugate (مطیع کردن)
330	arrive	arrive.v (رسیدن) arrival.n (رسیدن) arriver.n (رسیده)
	/ə'raɪv/ /رایو/	land (فرود آمدن) enter (وارد شدن) come (آمدن) reach (رسیدن) syn: reach

	تلفظ / واژه	مترادف‌ها / مشتقات
331	assign	assign.v (مأموریت، تعیین، تکلیف) assignment.n (اختصاص دادن، تعیین کردن، گماشتن) assigned.adj (قابل تعیین و تخصیص) assignable.adj (معین، تخصیص یافته)
	/ə'saɪn/ /اِساین/	syn: allocate (تخصیص دادن) appoint (منسوب کردن) designate (مشخص کردن) delegate (واگذار کردن) entrust (واگذار کردن)
332	attitude	attitude.n (نگرشی) attitudinal.adj (نگرش، دیدگاه، طرز برخورد)
	/ˈætɪtʊ:d/ /آتتود/	syn: outlook (دیدگاه) perspective (دیدگاه) disposition (خو، مشرب) mindset (ذهنیت) viewpoint (دیدگاه)
333	balance	balance.n (متعادل کردن، موازنه کردن، برابر کردن) balance.v (تبادل، توازن، ترازو) balanced.adj (متعادل)
	/ˈbæləns/ /بیلنس/	syn: equilibrium (تبادل) stability (توازن) equality (برابری) evenness (برابری) alignment (توازن)
334	break	break.v (شکستن) break.n (وقفه) breaker.n (شککننده)
	/breɪk/ /بریک/	syn: fracture (شکستگی) snap (شکستن) pause (توقف) interrupt (قطع کردن)
335	carry	carry.v (حمل کردن) carrier.n (حامل) carriage.n (حمل)
	/ˈkæri/ /کری/	syn: transport (حمل و نقل) bear (تحمل کردن) convey (انتقال دادن) hold (نگه داشتن)
336	challenge	challenge.v (چالش زدن) challenged.adj (به چالش کشیده) challenging.adj (طاق‌فرسا) challengeable.adj (چالش برانگیز) challenge.n (دعوت به جنگ) contest (چالش)
	/ˈtʃæləndʒ/ /چلنج/	syn: difficulty (سختی) obstacle (مانع، گیر، مشکل) trial (امتحان در دسر) contest (چالش) hurdle (مانع، دشواری)
337	collect	collect.v (جمع آوری کردن) collection.n (مجموعه) collector.n (جمع کننده) collective.adj (اشتراکی) collectively.adv (به صورت مجموعه‌ای)
	/kə'lekt/ /کی لکت/	syn: accumulate (تجمع دادن) assemble (جمع کردن) amass (انباشتن) gather (جمع کردن)
338	component	component.n (جزء) component.adj (تشکیل دهنده) componential.adj (عنصری)
	/kəm'pəʊnənt/ /کم پوننت/	syn: part (بخش) element (عنصر) piece (تکه) constituent (سازنده)
339	consume	consume.v (مصرف کردن، خوردن) consumption.n (مصرف) consumer.n (مصرف کننده) consumed.adj (خورده شده، مصرف شده)
	/kən'su:m/ /کین سوم/	syn: use (استفاده کردن) utilize (بهره‌مند شدن) ingest (بلعیدن) expend (مصرف کردن) devour (خوردن)
340	contrast	contrast.n (تضاد) contrast.v (مقایسه کردن) contrasting.adj (متضاد)
	/ˈkɒntræst/ /کانتراست/	syn: difference (تفاوت) comparison (مقایسه) distinction (تمایز) oppose (مخالفت کردن)

تست‌های چهارگزینه‌ای بخش دوم:

1. There was a long silence after Mary had confessed to her parents that she had decided to leave school.

- 1) conscious 2) embarrassed 3) jealous 4) selfish

2. Please remember to send the letter today; it is

- 1) trivial 2) insignificant 3) urgent 4) adjustable

3. All lights in the park will be turned off at 11 p.m.

- 1) roundly 2) haphazardly 3) arbitrarily 4) automatically

4. Please fill in all the answers and return the to my address.

- 1) questionnaire 2) product 3) merchandise 4) procedure

5. The tourists were very Iranian food, especially Chelo.Kabab.

- 1) enthusiastic about 2) famous for 3) proud of 4) devoted to

6. Our tour from Airport on August 31 and returns on September 5.

- 1) arrives 2) departs 3) enters 4) lands

7. John's holiday in Tehran gave him a great To improve his Persian accent.

- 1) hope 2) option 3) chance 4) occasion

8. Mrs. Johnson looked puzzled at the question posed by a reporter; the question was quite unexpected.

- 1) abrupt 2) slow 3) dangerous 4) beautiful

9. Mr. Brown waited patiently, but his eyes his anxiety.

- 1) revealed 2) evaporated 3) recovered 4) authorized

10. As a scientist, my natural is to research and find answers to questions.

- 1) resilience 2) inclination 3) allocation 4) circumstance

11. Before making a bad decision, take some time and the consequences of your actions.

- 1) contemplate 2) distribute 3) compensate 4) expel

12. His poor performance during the NBA Finals led to his from the Olympic team.

- 1) transfer 2) exhaustion 3) exclusion 4) controversy

13. The new planet is unlikely to life because it is too young and too hot.

- 1) imply 2) locate 3) harbor 4) occupy

14. The sun's UV radiation a significant health risk and may lead to eye damage.

- 1) poses 2) grants 3) affects 4) ensures

15. Young children seem to have an endless, able to constantly run around with no end in sight.

- 1) transparency 2) vitality 3) torment 4) debate

16. We are helping the local companies their business to global markets.

- 1) utilize 2) occupy 3) expand 4) postpone

17. Lack of sleep is to our health and can lead to serious problems.

- 1) fundamental 2) detrimental 3) ideal 4) superficial

18. Educators are worried about rapidly opportunities for graduates.

- 1) ongoing 2) eliminating 3) lasting 4) diminishing

19. The project phase is the first phase within the project management life cycle.

- 1) termination 2) closure 3) execution 4) initiation

20. Anyone intending to break school rules will be punished.

- 1) smoothly 2) selectively 3) severely 4) negligibly

21. We just can't whether to go on holiday this week or later in the year.

- 1) hesitate 2) explore 3) acquire 4) decide

22. Students at the school where I teach are very they always submit their homework assignments on time.

- 1) patient 2) reliable 3) friendly 4) modest

23. The figure concerning the company's sales are very

- 1) disturbing 2) emphatic 3) worried 4) anxious

24. Do you know how many people will be attending the meeting?

- 1) mostly 2) relatively 3) precisely 4) moderately

25. the southern part of Iran has tropical weather conditions, the northern part is subtropical.

- 1) Similarly 2) Likewise 3) Close to 4) While

26. To differentiate between the two boys is impossible.

- 1) originally 2) haphazardly 3) virtually 4) randomly

27. Today, our school will honor the most students.

- 1) alert 2) responsive 3) suitable 4) outstanding

28. The discussion me to research the subject more in depth.

- 1) related 2) stimulated 3) enjoyed 4) advocated

29. His book on Persian poetry has been used in many Iranian universities.

- 1) briefly 2) sharply 3) extensively 4) dependently

30. I think what Jim said was not for the occasion.

- 1) belonging 2) persuaded 3) appropriate 4) compulsory

31. Volcanoes are formed by the of magma, the molten rock that forms below the earth's surface.

- 1) accumulation 2) scarcity 3) warmth 4) product

32. This course aims to smooth the between education and employment.

- 1) completion 2) assistance 3) accomplishment 4) transition

33. The network has enabled young to gain experience by working with qualified individuals.

- 1) achievers 2) practitioners 3) procedures 4) talents

34. The new project will hopefully the effects of car pollution.

- 1) lessen 2) consume 3) construct 4) foster

35. The crime rate has decreased on an scale during that time.

- 1) unprecedented 2) appropriate 3) exhaustive 4) intentional

36. I told my friend that my grades were good, but they weren't. I knowingly him.

- 1) deceived 2) surprised 3) notified 4) informed

37. Our instructor said he had no to our plan.

- 1) inclusion 2) satisfaction 3) affection 4) objection

38. We have decided to the committee's recommendations in full.

- 1) implement 2) designate 3) indicate 4) cease

39. I have a(n) that Jim is not telling us the truth.

- 1) suspicion 2) disbelief 3) intention 4) implication

40. Do you know how to a watch and put it back together?

- 1) put out 2) cut down 3) take apart 4) run into

41. Don't your exams. I am sure you will be able to pass them.

- 1) get over 2) worry about 3) depend on 4) hand in

42. Anybody driving a car is by law to have insurance.

- 1) deprived 2) permitted 3) proved 4) obliged

43. Computer equipment can become very quickly because new technology emerges so fast.

- 1) obsolete 2) coherent 3) localized 4) ethnic

44. Some students are to speak English because they are shy.

- 1) motivated 2) confident 3) enthusiastic 4) reluctant

45. The principle of explains why children look like their parents.

- 1) normality 2) reliance 3) sitting 4) heredity

پاسخ‌نامه کلیدی بخش دوم											
سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
1	2	41	2	81	4	121	3	161	4	201	1
2	3	42	4	82	2	122	1	162	1	202	2
3	4	43	1	83	3	123	4	163	4	203	1
4	1	44	4	84	4	124	3	164	1	204	1
5	1	45	4	85	1	125	1	165	1	205	3
6	2	46	2	86	3	126	4	166	4	206	3
7	3	47	4	87	4	127	3	167	2	207	2
8	1	48	2	88	1	128	4	168	3	208	4
9	1	49	4	89	2	129	2	169	3	209	2
10	2	50	2	90	4	130	3	170	1	210	1
11	1	51	2	91	4	131	2	171	4	211	4
12	3	52	1	92	3	132	1	172	1	212	1
13	3	53	2	93	3	133	1	173	3	213	4
14	1	54	1	94	3	134	2	174	2	214	2
15	2	55	3	95	4	135	3	175	4	215	2
16	3	56	4	96	2	136	4	176	1	216	4
17	2	57	4	97	3	137	1	177	4	217	3
18	4	58	1	98	4	138	4	178	3	218	3
19	4	59	3	99	4	139	1	179	4	219	1
20	3	60	1	100	4	140	2	180	3	220	2
21	4	61	1	101	1	141	3	181	1	221	3
22	2	62	3	102	4	142	1	182	1	222	4
23	1	63	4	103	2	143	2	183	4	223	4
24	3	64	2	104	1	144	2	184	2	224	4
25	4	65	1	105	3	145	1	185	3	225	4
26	3	66	1	106	1	146	3	186	2	226	2
27	4	67	1	107	1	147	4	187	2	227	1
28	2	68	3	108	1	148	4	188	3	228	2
29	3	69	1	109	2	149	2	189	3	229	1
30	3	70	1	110	3	150	1	190	2	230	1
31	1	71	2	111	2	151	2	191	1		
32	4	72	4	112	2	152	3	192	4		
33	2	73	2	113	1	153	4	193	2		
34	1	74	1	114	1	154	2	194	2		
35	1	75	3	115	1	155	3	195	2		
36	1	76	1	116	2	156	3	196	2		
37	4	77	4	117	2	157	1	197	2		
38	1	78	1	118	1	158	2	198	4		
39	1	79	2	119	3	159	4	199	1		
40	3	80	2	120	4	160	2	200	1		

پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهار گزینه‌ای بخش دوم

۱. پس از اینکه مری به والدینش اعتراف کرد که تصمیم به ترک مدرسه گرفته است، سکوت طولانی برقرار شد.

- (۱) هوشیار (۲) شرم‌آور (۳) حسود (۴) خودخواه

۲. لطفاً به یاد داشته باشید که نامه را امروز ارسال کنید، است.

- (۱) بی‌بدیهی (۲) بی‌اهمیت (۳) فوری (۴) قابل تنظیم

۳. تمام چراغ‌های پارک در ساعت ۱۱ شب خاموش می‌شود.

- (۱) گرد (۲) به طور تصادفی (۳) خودسرانه (۴) به طور خودکار

۴. لطفاً تمامی پاسخ‌ها را پر کرده و را به آدرس من بفرستید.

- (۱) پرسش‌نامه (۲) محصول (۳) کالا (۴) رویه

۵. گردشگران به غذاهای ایرانی مخصوصاً چلوکباب

- (۱) مشتاق (۲) معروف برای (۳) افتخار کردن (۴) اختصاص به

۶. تور ما ۳۱ مرداد از فرودگاه و ۵ شهریور برمی‌گردد.

- (۱) رسیدن (۲) حرکت کردن، جدا شدن (۳) وارد شدن (۴) زمین‌ها

۷. تعطیلات جان در تهران به او بزرگی داد تا لهجه فارسی خود را بهبود بخشد.

- (۱) امید (۲) گزینه (۳) شانس (۴) مناسبت

۸. خانم جانسون با سؤال یک خبرنگار گیج به نظر می‌رسید، سؤال کاملاً غیرمنتظره بود.

- (۱) ناگهانی (۲) کند (۳) خطرناک (۴) زیبا

۹. آقای براون صبورانه منتظر ماند، اما چشمانش اضطراب او را

- (۱) آشکار شده (۲) تبخیر شده (۳) بهبود یافته (۴) مجاز شده

۱۰. به‌عنوان یک دانشمند، طبیعی من به تحقیق و یافتن پاسخ سؤالات است.

- (۱) انعطاف‌پذیری (۲) تمایل (۳) تخصیص (۴) شرایط

۱۱. قبل از گرفتن یک تصمیم بد، کمی زمان بگذارید و به عواقب اعمال خود

- (۱) تأمل کردن (۲) توزیع کردن (۳) جبران کردن (۴) اخراج کردن

۱۲. عملکرد ضعیف او در فینال NBA منجر به او از تیم المپیک شد.

- (۱) انتقال (۲) فرسودگی (۳) محرومیت (۴) جنجال

۱۳. سیاره جدید بعید است که حیات باشد زیرا بسیار جوان و بسیار گرم است.

- (۱) دلالت کردن (۲) مکان‌یابی کردن (۳) پناهگاه (۴) اشغال کردن

۱۴. اشعه ماوراء بنفش خورشید خطر قابل توجهی برای سلامتی و ممکن است منجر به آسیب چشم شود.

- (۱) ژست گرفتن، دارا بودن (۲) کمک‌های مالی (۳) تأثیر گذاشتن (۴) تضمین کردن

۱۵. به نظر می‌رسد که کودکان خردسال بی‌پایانی دارند و می‌توانند دائماً بدون هیچ پایانی در اطراف بدوند.

- (۱) شفافیت (۲) انرژی (۳) عذاب (۴) مناظره

۱۶. ما به شرکت‌های محلی کمک می‌کنیم تا کسب‌وکارهای خود را در بازارهای جهانی

- (۱) به‌کاربردن (۲) مشغول کردن (۳) گسترش دادن (۴) به تعویق انداختن، تأخیر کردن

۱۷. کمبود خواب برای سلامتی ما است و می تواند منجر به مشکلات جدی شود.
- (۱) اساسی، اصلی، بنیادی (۲) مضر، زیان آور (۳) ایده آل، کمال مطلوب (۴) سطحی
۱۸. مربیان نگران سریع فرصت ها برای فارغ التحصیلان هستند.
- (۱) مداوم، در حال پیشرفت (۲) حذفی (۳) بادوام (۴) نزولی، کم شونده
۱۹. مرحله پروژه اولین مرحله مدیریت پروژه در چرخه زندگی است.
- (۱) خاتمه، پایان (۲) در پیچه (۳) اعدام، اجرا، توقیف (۴) شروع، راه اندازی
۲۰. هر کسی که قصد شکستن قوانین مدرسه را داشته باشد، تنبیه خواهد شد.
- (۱) به نرمی، به آرامی (۲) گزینشی (۳) به شدت (۴) ناچیز
۲۱. ما نمی توانیم که این هفته به تعطیلات برویم یا بعداً در طول سال.
- (۱) تردید داشتن (۲) کاوش کردن (۳) به دست آوردن (۴) تصمیم گرفتن
۲۲. دانش آموزان مدرسه ای که من در آن درس می دهم، بسیار هستند. آن ها همیشه تکالیف خود را به موقع تحویل می دهند.
- (۱) صبور، بیمار (۲) قابل اعتماد (۳) صمیمی، دوستانه (۴) فروتن
۲۳. نمودارهای مربوط به فروش شرکت، بسیار هستند.
- (۱) برهم زننده، نگران کننده (۲) همدلی (۳) نگران شده (۴) دلواپس، مضطرب
۲۴. می دانی چند نفر در جلسه شرکت خواهند کرد؟
- (۱) اغلب (۲) به طور نسبی، تقریباً (۳) دقیقاً (۴) متوسط، ملایم
۲۵. بخش جنوبی ایران آب و هوای گرمسیری دارد، بخش شمالی نیمه گرمسیری است.
- (۱) مشابه، همانند (۲) همان طور که (۳) تقریباً، نزدیک به (۴) در حالی که
۲۶. تمایز قائل شدن بین این دو پسر، غیر ممکن است.
- (۱) در اصل (۲) غیرمنتظره (۳) واقعاً (۴) تصادفاً
۲۷. امروز مدرسه ما از دانش آموزان برجسته تجلیل خواهد کرد.
- (۱) هشدار (۲) پاسخگو (۳) مناسب (۴) برجسته
۲۸. این بحث من را که درباره این موضوع با عمق بیشتری تحقیق کنم.
- (۱) مربوط کردن (۲) تحریک کردن (۳) لذت بردن (۴) دفاع کردن
۲۹. کتاب او درباره شعر ایرانی، در خیلی از دانشگاه های ایرانی استفاده شده است.
- (۱) کوتاه، مختصر (۲) به شدت (۳) به طور گسترده (۴) به طور وابسته
۳۰. فکر می کنم چیزی که جیم گفت، آن موقعیت نبود.
- (۱) متعلق بودن (۲) متقاعد شدن (۳) مناسب (۴) اجباری
۳۱. آتش فشان ها از مواد مذاب تشکیل شده اند، سنگ های گداخته شده ای که زیر سطح زمین شکل گرفته اند.
- (۱) اجتماع، جمع شدن (۲) کمبود، ندرت (۳) گرما (۴) محصول
۳۲. هدف از این دوره، هموارسازی بین تحصیل و اشتغال است.
- (۱) تکمیل (۲) کمک (۳) موفقیت (۴) پیوند، گذار

تست‌های Paraphrase بخش دوم:

1. It is evident that animals played a predominant role in the world of the upper Paleolithic period.

- 1) hazardous 2) principal 3) minuscule 4) misunderstood

2. We have many examples of scientists in different parts of the world who have made synchronous discoveries.

- 1) significant 2) dissimilar 3) simultaneous 4) diverse

3. Strokes are the main cause of disability in many countries and yet few people are aware of the dangers that a stroke can pose.

- 1) eliminate 2) acquire 3) oblige 4) produce

4. About a quarter of the workers in the United States are employed in factories.

- 1) third 2) fourth 3) tenth 4) fifteenth

5. Because the information was easily accessible, they managed to find it immediately.

- 1) reachable 2) accessory 3) acceptable 4) accelerating

6. Formerly a palace, the Louvre was made a museum after the French Revolution.

- 1) Henceforth 2) Frequently 3) Previously 4) Eventually

7. Even as a child, Thomas Edison had a very inquisitive mind; at the age of three, he performed his first experiment.

- 1) mature 2) complex 3) brilliant 4) curious

8. Efforts to ameliorate housing conditions for the poor were halted because government funds were cut off.

- 1) analyze 2) develop 3) advertise 4) improve

9. Because Edward swam too fast at the beginning of the race, he lost his stamina early.

- 1) energy 2) chance 3) position 4) stroke

10. John Dewey loathed the idea that children should not participate in activities as part of their educational experience.

- 1) encouraged 2) hated 3) noticed 4) popularized

11. The hyperactive child seemed to be in perpetual motion.

- 1) interrupted 2) inconstant 3) discontinuous 4) constant

12. You cannot become a certified teacher without completing the prerequisite student teaching assignment.

- 1) preferred 2) optional 3) required 4) advisable

13. The attorneys were now certain they could not win the case because the ruling had proved to be so detrimental to their argument.

- 1) decisive 2) harmful 3) worthless 4) advantageous

14. A deep rock tunnel between Washington, D.C., and Boston that employs an entirely new type of rapid conveyance is receiving serious consideration from city planners.

- 1) an outlandishly 2) a comparatively 3) an intrinsically 4) a completely

15. Women's magazines reflect the changing view of women's role in society.

- 1) distort 2) show 3) accentuate 4) promote

16. The composition of heavenly bodies can be discovered by analyzing the light they emit.

- 1) detecting 2) examining 3) intensifying 4) observing

17. Evidence that harmful effects may result from small amounts of radiation has prompted concern about low level irradiation from various sources.

- 1) minimized 2) exaggerated 3) produced 4) sustained

18. After the Civil War, trolleys and streetcars greatly expanded workers' mobility, permitting them to move beyond walking distance from factories.

- 1) salary 2) ability to move 3) skills 4) interests

19. The possibility of developing a top seller is so alluring that American companies spend billions of dollars a year trying to create new products or improve old ones.

- 1) attractive 2) dangerous 3) final 4) unreasonable

20. The healthiest type of parents is those who guide and instruct their children but also grant them a degree of autonomy, encouraging the children to make their own decisions and form their own opinions.

- 1) financing 2) independence 3) knowledge 4) guidance

21. What people say may not reflect accurately what they are actually feeling. It is sometimes necessary to resort to clues other than their spoken words to understand them fully.

- 1) make use of 2) remove from 3) make light of 4) ignore

22. The human environment, in the biological sense, is chiefly a hostile one.

- 1) mostly 2) actually 3) normally 4) partially

23. The standard definition of writing highlights the fact that writing is in principle the representation of language rather than a direct representation of thought.

- 1) mentions 2) conceals 3) emphasizes 4) distorts

24. The Sweetwater River was supposedly named by General William Ashley in 1823 because its water tasted sweet to his trappers.

- 1) presumably 2) oddly 3) aptly 4) predictably

25. Some people find tranquility when they are far away from the hustle and bustle of city life.

- 1) amusement 2) peacefulness 3) fulfillment 4) security

26. The process of eutrophication involves a sharp increase in the concentration of phosphorus and nitrogen and promotes the growth of algae.

- 1) conceals 2) disrupts 3) boosts 4) halt

27. The number of neutrons in a nucleus affects the mass of the atom but not its chemical properties.

- 1) preliminaries 2) characteristics 3) influences 4) substances

28. Please give at least a week's warning if you can't attend the meeting.

- 1) excuse 2) notice 3) interview 4) series

29. Most texts ancient of the Greek language are preserved at this library.

- 1) cultivated 2) maintained 3) observed 4) revealed

30. The elderly are not excluded from rent raises that all tenants have to pay when the landlord makes a major improvement.

- 1) obliged 2) included 3) excited 4) eliminated

31. When their rent increased from \$200 to \$400 a month, they protested against such a tremendous increase.

- 1) light 2) difficult 3) huge 4) tiring

32. Because the city is slow in processing applications, many of the elderly do not get housing benefits.

- 1) providing 2) working on 3) raising 4) trying

33. Ammonia, one of the earliest known nitrogen compounds, was originally produced by distilling organic materials.

- 1) masses 2) fabrics 3) substances 4) liquids

34. A: Why did the manager quit his job?

B: Well, he will presumably resign in view of the complete failure of his policy.

- 1) actually 2) obviously 3) supposedly 4) instantly

35. A: Why are these two results so different?

B: Various biologists, who analyze the same data, may have completely different and sometimes conflicting interpretations.

- 1) unsuitable 2) appropriate 3) invalid 4) incompatible

36. A: What happened in the meeting?

B: The manager gave explicit instructions to the staff.

- 1) advisable 2) vital 3) definite 4) terrible

37. After the meeting was over, they broadcasted the results immediately.

- 1) censored 2) determined 3) announced 4) interpreted

38. Blue-green algae grow abundantly in salt marshes.

- 1) primarily 2) slowly 3) on plants 4) in great numbers

39. X-rays are basically a form of radiation.

- 1) fundamentally 2) definitely 3) possibly 4) frequently

40. The Statue of Liberty in New York is a triumph of late 19th.century art and engineering.

- 1) an artifact 2) a defeat 3) a victory 4) an improvement

41. The Californian redwoods, the tallest trees in the world, are known for their ability to withstand fire, insects, and disease.

- 1) maintain 2) resist 3) attack 4) defend

42. When their rent increased from 200\$ to 400\$, they protested against the enormous increase.

- 1) huge 2) cautious 3) suitable 4) mutual

پاسخ نامه کلیدی سؤالات Paraphrase بخش دوم					
سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
1	2	21	1	41	2
2	3	22	1	42	1
3	4	23	3		
4	2	24	1		
5	1	25	2		
6	3	26	3		
7	4	27	2		
8	4	28	2		
9	1	29	2		
10	2	30	4		
11	4	31	3		
12	3	32	2		
13	2	33	3		
14	4	34	3		
15	4	35	4		
16	2	36	3		
17	2	37	3		
18	2	38	4		
19	1	39	1		
20	2	40	3		

پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های paraphrase بخش دوم

۱. بدیهی است که جانوران در جهان دوران Paleolithic نقش غالب داشتند.
- (۱) خطرناک (۲) مهم و پایه‌ای (۳) کوچک (۴) کج‌فهمی
۲. نمونه‌های زیادی از دانشمندان در نقاط مختلف جهان داریم که اکتشافات هم‌زمان انجام داده‌اند.
- (۱) قابل توجه (۲) غیرمشابه (۳) هم‌زمان (۴) متنوع
۳. سکنه مغزی عامل اصلی ناتوانی در بسیاری از کشورها است و باین حال تعداد کمی از مردم از خطرانی که سکنه مغزی می‌تواند ایجاد کند، آگاه هستند.
- (۱) از بین بردن (۲) به دست آوردن (۳) الزام کردن (۴) تولید کردن
۴. در حدود یک چهارم کارگران در ایالات متحده در کارخانه‌ها استخدام شده‌اند.
- (۱) سوم (۲) چهارم (۳) دهم (۴) پانزدهم
۵. چون اطلاعات به راحتی قابل دسترسی بود، آنها توانستند آن را فوراً پیدا کنند.
- (۱) قابل دسترسی (۲) متعلقات (۳) قابل قبول (۴) تسریع کننده
۶. لوور که قبلاً کاخ بود، پس از انقلاب فرانسه به موزه تبدیل شد.
- (۱) از این پس (۲) اغلب (۳) قبلاً (۴) در نهایت
۷. توماس ادیسون حتی در کودکی ذهنی بسیار کنجکاو داشت. در سه سالگی اولین آزمایش خود را انجام داد.
- (۱) بالغ (۲) پیچیده (۳) درخشان (۴) کنجکاو
۸. تلاش‌ها برای بهبود شرایط مسکن برای فقرا متوقف شد زیرا بودجه دولت قطع شد.
- (۱) تجزیه و تحلیل (۲) توسعه دهید (۳) تبلیغ کردن (۴) بهبود بخشیدن
۹. از آنجایی که ادوارد در ابتدای مسابقه خیلی سریع شنا کرد، استقامت خود را زود از دست داد.
- (۱) انرژی (۲) شانس (۳) موقعیت (۴) سکنه مغزی
۱۰. John Dewey از این ایده که کودکان نباید در فعالیت‌هایی به عنوان بخشی از تجربه آموزشی خود شرکت کنند متنفر بود.
- (۱) تشویق کردن (۲) تنفر داشتن (۳) متوجه شدن (۴) رایج شدن
۱۱. به نظر می‌رسید کودک بیش‌فعال در حال حرکت دائمی است.
- (۱) قطع شدن، مختل شدن (۲) ناپایدار (۳) ناپیوسته (۴) همواره
۱۲. شما نمی‌توانید بدون انجام تکالیف مربوط به پیش‌نیاز آموزشی دانش آموز، معلم رسمی شوید.
- (۱) ترجیح داده شده (۲) اختیاری (۳) موردنیاز (۴) قابل توصیه
۱۳. وکلا اکنون مطمئن بودند که نمی‌توانند در این پرونده پیروز شوند، زیرا ثابت شده بود که این حکم برای استدلال آن‌ها بسیار مضر است.
- (۱) تعیین کننده (۲) مضر (۳) بی‌ارزش (۴) سودمند
۱۴. یک تونل صخره‌ای عمیق بین واشنگتن دی سی و بوستون که از نوع کاملاً جدیدی از انتقال سریع استفاده می‌کند، مورد توجه جدی برنامه‌ریزان عمرانی قرار گرفته است.
- (۱) به طرز عجیبی (۲) به طور مقایسه‌ای (۳) ذاتاً (۴) به طور کامل

۱۵. مجلات زنانه تغییر دیدگاه در مورد نقش زنان در جامعه را بازتاب می‌دهند.
- (۱) تحریف کردن (۲) نشان دادن (۳) برجسته کردن (۴) ترویج دادن
۱۶. ترکیب اجسام آسمانی را می‌توان با تجزیه و تحلیل نوری که از آن‌ها ساطع می‌شود کشف کرد.
- (۱) تشخیص دادن (۲) آزمایش کردن (۳) تشدید شدن (۴) مشاهده کردن
۱۷. شواهدی مبنی بر اینکه اثرات مضر ممکن است از مقادیر کم تابش ایجاد شود، نگرانی در مورد تابش سطح پایین از منابع مختلف را برانگیخته است.
- (۱) به حداقل رساندن (۲) تشدید کردن (۳) تولید شده (۴) پایدار شده
۱۸. پس از جنگ داخلی، واکن برفی و ترامواها تحرك کارگران را تا حد زیادی گسترش دادند و به آن‌ها اجازه دادند که از فاصله کمتری از کارخانه‌ها حرکت کنند.
- (۱) حقوق و دستمزد (۲) توانایی حرکت (۳) مهارت‌ها (۴) علائق
۱۹. امکان ایجاد یک فروشنده برتر به قدری جذاب است که شرکت‌های آمریکایی میلیارد‌ها دلار در سال برای ایجاد محصولات جدید یا بهبود محصولات قدیمی هزینه می‌کنند.
- (۱) جذاب (۲) خطرناک (۳) نهایی (۴) غیرمنطقی
۲۰. سالم‌ترین نوع والدین کسانی هستند که فرزندان خود را راهنمایی و هدایت می‌کنند، اما به آن‌ها درجه‌ای از استقلال نیز می‌دهند و تشویق کردن کودکان به تصمیم‌گیری و شکل دادن به نظرات خودشان را انجام می‌دهند.
- (۱) تأمین مالی (۲) استقلال (۳) دانش (۴) راهنمایی
۲۱. آنچه مردم می‌گویند ممکن است به درستی منعکس‌کننده احساسات واقعی آن‌ها نباشد. گاهی لازم است برای درک کامل آن‌ها به سرنخ‌هایی غیر از کلمات گفتاری آن‌ها متوسل شویم.
- (۱) استفاده از (۲) حذف از (۳) سبک کردن (۴) نادیده گرفتن
۲۲. محیط انسانی، به معنای بیولوژیکی، عمدتاً محیطی خصمانه است.
- (۱) بیشتر (۲) در واقع (۳) به طور معمول (۴) به طور جزئی
۲۳. تعریف استاندارد نوشتار این واقعیت را برجسته می‌کند که نوشتن در اصل بازنمایی زبان است تا بازنمایی مستقیم اندیشه باشد.
- (۱) ذکر کردن (۲) پنهان کردن (۳) تأکید کردن (۴) تحریف کردن
۲۴. ظاهراً رودخانه Sweetwater توسط ژنرال ویلیام اشلی در سال ۱۸۲۳ نام‌گذاری شد زیرا آب آن برای تله‌گذاران طعم شیرینی داشت.
- (۱) احتمالاً (۲) به‌طور کلی (۳) به‌درستی (۴) قابل پیش‌بینی
۲۵. برخی از مردم زمانی به آرامش می‌رسند که از هیاهوی زندگی شهری دور باشند.
- (۱) سرگرمی (۲) آرامش (۳) تحقق (۴) امنیت
۲۶. فرایند اوتروفیکاسیون شامل افزایش شدید غلظت فسفر و نیتروژن است و رشد جلبک‌ها را تقویت می‌کند.
- (۱) پنهان شدن (۲) مختل شدن (۳) تقویت کردن (۴) متوقف کردن

	تلفظ / واژه	مترادفها / مشتقات
601	erode	erode.v (فرو بردن) erosion.n (فرسایش) eroded.adj (فرو شده) erosive.adj (فرسایش دهنده) erosional.adj (فرسایشی)
	/ɪˈrəʊd/ /اِروُد/	syn: wear away (ساییدن) corrode (تحلیل بردن) deteriorate (ضعیف شدن) abrade (ساییدن) pulverize (ساییدن) rub (ساییدن)
602	exaggerate	exaggerate.v (مبالغه کردن، بزرگ کردن) exaggeration.n (مبالغه، اغراق) exaggerated.adj (مبالغه شده) exaggerative.adj (مبالغه آمیز)
	/ɪgˈzædʒəreɪt/ /اِگ زَجْریت/	syn: overstate (اغراق گفتن) magnify (بزرگ کردن) overemphasize (بیش از حد تأکید کردن) hyperbolize (مبالغه کردن) amplify (بزرگ کردن) overplay (مبالغه کردن)
603	exercise	exercise.n (تمرین کردن، بکار انداختن) exercise.v (ورزش، مشق، تمرین، اعمال) exercised.adj (اعمال شده)
	/ˈeksərsaɪz/ /اکسیرسایز/	syn: workout (ورزش) training (آموزش) activity (کار، فعالیت) drill (تمرین دادن) practice (تمرین)
604	extract	extract.v (استخراج کردن) extract.n (عصاره، گزیده) extraction.n (استخراج) extractable.adj (قابل کشیدن، استخراج شدنی)
	/ɪkˈstrækt/ /اکس ترکت/	syn: elicit (بیرون کشیدن) draw out (بیرون کشیدن) extricate (درآوردن) derive (جدا کردن) separate (نشأت گرفتن)
605	facilitate	facilitate.v (تسهیل کردن، آسان کردن) facilitator.n (تسهیل گر) facilitation.n (تسهیلگری)
	/fəˈsɪlɪteɪt/ /ف سِلِیتیت/	syn: simplify (ساده کردن) ease (تسهیل کردن) assist (کمک کردن) enable (فراهم کردن)
606	fail	fail.v (شکست خوردن، از کار افتادن، رد شدن) fail.n (شکست، عدم موفقیت) failure.n (شکست) failing.n (در حال فروپاشی) failed.adj (ناموفق)
	/feɪl/ /فیل/	syn: flunk (شکست خوردن) wane (به آخر رسیدن) collapse (متلاشی شدن) flop (به دست نیاوردن) miss (شکست خوردن)
607	feed	feed.v (تغذیه کردن) feed.n (خوراک) feeder.n (تغذیه کننده) fed.adj (خورانده شده)
	/fi:d/ /فید/	syn: nourish (تغذیه کردن) supply (تأمین کردن) eat (خوردن) sustain (حمایت کردن)
608	fight	fight.v (جنگیدن) fighter.n (جنگنده) fighting.adj (جنگجو) fight.n (نبرد، جنگ)
	/faɪt/ /فایت/	syn: battle (نبرد) combat (جنگ) struggle (تقابل) conflict (تنازع) war (جنگ) confrontation (مواجهه)
609	flourish	flourish.v (شکوفه شدن) flourish.n (شکوفایی) flourishing.adj (شکوفه) flourished.adj (شکوفه شده)
	/ˈflaʊrɪʃ/ /فلارِش/	syn: thrive (رونق یافتن) prosper (موفق شدن) bloom (شکوفه زدن) succeed (موفق شدن) grow (رشد کردن)
610	fruit	fruit.n (میوه) fruitless.adj (بی ثمر) fruition.n (باروری) fruitfully.adv (به طور ثمربخش) fruitful.adj (مفید)
	/fru:t/ /فروت/	syn: produce (تولید کردن) berry (توت) yield (بازده) harvest (برداشت)

	تلفظ / واژه	مترادف‌ها / مشتقات
611	fuel	fuel.n (سوخت) fuel.v (سوخت‌رسانی کردن) fueling.n (سوخت‌گیری)
	/ˈfju:əl/ /فیوآل/	syn: energy (انرژی) power (قدرت) gasoline (بنزین) feed (تغذیه کردن)
612	furniture	furniture.n (مبلمان) furnishing.n (تجهیزات) furnished.adj (مبله) furnish.v (مجهز کردن، مبله کردن)
	/ˈfɜ:nɪtʃər/ /فِرِنچِر/	syn: fittings (لوازم) household goods (کالاهای خانگی) furnishings (تجهیزات) decor (دکور)
613	grant	grant.v (اهدای کردن، قبول کردن) grant.n (کمک‌هزینه)
	/grænt/ /گِرَنت/	syn: bestow (عطا کردن) award (اعطا کردن) donate (هدا کردن) confer (هدا کردن) give (دادن)
614	hit	hit.v (اصابت کردن، ضربه زدن) hit.n (اصابت، فیلم پر مشتری)
	/hɪt/ /هِت/	syn: strike (ضربه زدن) impact (ضربت) collide (برخورد کردن) knock (ضربت) beat (ضربت)
615	hope	hope.n (امید) hopeful.adj (امیدوار) hope.v (امیدوار بودن) hopefully.adv (با امیدواری) hopeless.adj (ناامید)
	/hoʊp/ /هُوپ/	syn: expectation (انتظار) aspiration (آرزو) longing (آرزو) yearning (آرزو) desire (خواستنه)
616	innate	innate.adj (فطری، ذاتی) innately.adv (ذاتی)
	/ɪˈneɪt/ /اِنِیت/	syn: natural (طبیعی) inherent (ذاتی) intrinsic (ذاتی) immanent (ذاتی) inborn (ذاتی)
617	insist	insist.v (اصرار کردن، پافشاری کردن) insistence.n (اصرار) insistent.adj (مُصر) insistently.adv (مصراانه)
	/ɪnˈsɪst/ /اِن سِست/	syn: persist (پافشاری کردن) demand (خواستار بودن) emphasize (تأکید کردن) stand firm (استقامت نشان دادن) urge (اصرار کردن)
618	inspire	inspire.v (الهام بخشدن، القا کردن، دمیدن) inspiration.n (الهام) inspirational.adj (الهام‌بخش) inspired.adj (الهام شده)
	/ɪnˈspaɪr/ /اِنس پَایِر/	syn: motivate (انگیختن) encourage (تشویق کردن) move (متأثر ساختن) exhale (دمیدن) induce (تحریک شدن) invite (انگیزاندن)
619	interpret	interpret.v (تفسیر کردن، توضیح دادن، ترجمه کردن) interpretation.n (تفسیر، بیان، ترجمه) interpreter.n (مفسر) interpretive.adj (تفسیری)
	/ɪnˈtɜ:prɪt/ /اِن تِرپِرِت/	syn: translate (ترجمه کردن) explain (توضیح دادن) decipher (رمزگشایی کردن) elucidate (روشن کردن) render (ترجمه کردن)
620	interview	interview.n (مصاحبه) interview.v (مصاحبه کردن) interviewer.n (مصاحبه‌کننده) interviewee.n (مصاحبه‌شونده) interviewed.adj (مصاحبه شده)
	/ɪntəˈvju:/ /اِنتِرِویو/	syn: meeting (جلسه) interrogation (بازجویی) consultation (مشاوره) discussion (بحث)

	تلفظ / واژه	مترادف‌ها / مشتقات
621	invade	invade.v (تجاوز کردن، حمله کردن) invasion.n (تعرض، هجوم) invasive.adj (تهاجمی) invaded.adj (مورد تهاجم واقع شده) invader.n (مهاجم)
	/ɪn'veɪd/ /ان وید/	syn: attack (حمله کردن) assault (حمله کردن) overrun (تاخت و تاز کردن) conquer (فتح کردن) occupy (تصرف کردن)
622	justify	justify.v (توجیه کردن) justification.n (توجیه) justified.adj (موجه) injustice.n (ظلم) justifiable.adj (قابل توجیه) unjust.adj (غیر عادلانه)
	/'dʒʌstɪfaɪ/ /جاستیفای/	syn: rationalize (منطقی کردن) prove (اثبات کردن، ثابت کردن) vindicate (توجیه کردن) validate (مشروع کردن) verify (اثبات کردن) legitimize (مشروع کردن)
623	law	law.n (قانون) lawful.adj (قانونی) lawless.adj (بی قانون) lawyer.n (وکیل) outlaw.v (ممنوع ساختن)
	/lɔː/ /لا/	syn: legislation (قانون گذاری) rule (قاعده) regulation (مقررات) statute (مقررات) constitution (قانون اساسی)
624	layer	layer.n (لایه) layer.v (لایه لایه کردن) layered.adj (چندلایه)
	/'leɪər/ /لیر/	syn: stratum (لایه) level (سطح) tier (ردیف) coating (پوشش)
625	lubricate	lubricate.v (روغن زدن، روان کردن) lubrication.n (روغن کاری، روان سازی) lubricated.adj (روغن کاری شده) lubricative.adj (روان کننده) lubricant.n (روان کننده)
	/'luːbrɪkeɪt/ /لُوبرِکیت/	syn: grease (روغن زدن) oil (روغن زدن) smooth (روان کردن)
626	manufacture	manufacture.v (تولید کردن) manufacturer.n (تولیدکننده) manufacturing.n (تولید)
	/mænju'fæktʃər/ /مَنیو فَکچِر/	syn: produce (تولید کردن) create (ایجاد کردن) build (ساختن) fabricate (ساختن) construct (ساختن)
627	meticulous	meticulous.adj (موشکاف، دقیق) meticulously.adv (با دقت زیاد) meticulousness.n (جزئی نگرایی)
	/mə'tɪkjələs/ /مِ تَکیلس/	syn: precise (دقیق) thorough (خیلی دقیق) accurate (دقیق) fastidious (باریک بین) careful (دقیق)
628	mutual	mutual.adj (متقابل) mutuality.n (تقابل) mutually.adv (به طور متقابل) mutualize.v (به طور مشترک امری را انجام دادن)
	/'mjuːtʃuəl/ /میوچوال/	syn: reciprocal (متقابل) shared (مشترک) common (مشترک) joint (مشترک) bilateral (متقابل)
629	notice	notice.v (توجه کردن) notice.n (توجه، اعلان، آگهی) unnoticed.adj (پنهانی) noticeable.adj (قابل مشاهده) noticeably.adv (به طور قابل ملاحظه) notifier.n (اعلان کننده) notify.v (اطلاع رسانی) notification.n (اطلاع رسانی)
	/'nəʊtɪs/ /نُوتس/	syn: observation (مشاهده) perceive (ملاحظه کردن) attention (توجه) advertise (آگهی دادن) announcement (اطلاعیه)
630	optimal	optimal.adj (بهینه) optimally.adv (به طور بهینه) optimization.n (بهینه سازی) optimality (بهینگی)
	/'ɑːptɪməl/ /آپتیمِل/	syn: best (بهترین) ideal (ایده آل) perfect (کامل) supreme (عالی)

تست‌های چهارگزینه‌ای بخش سوم:

- 1. The Amazon region has been called one of the last remaining wildernesses on earth.**
1) exaggerated 2) imperfect 3) deniable 4) unspoiled
- 2. As far as I'm, I would be more than willing to give it a try.**
1) related 2) regarded 3) concerned 4) connected
- 3. She had completely what I was trying to say and took it as an insult.**
1) misunderstood 2) supported 3) forgotten 4) misused
- 4. In the twentieth century, people's of life has greatly increased.**
1) expectation 2) evaluation 3) supposition 4) designation
- 5. My brother prefers activities, like hiking and cycling, to staying at home.**
1) remote 2) external 3) outside 4) outdoor
- 6. According to a recent, 36% of all women in Europe don't feel safe walking home alone at night.**
1) survey 2) context 3) probability 4) news
- 7. The bishops were soon active against those who refused to to the doctrines of the Roman church.**
1) encourage 2) divide 3) conform 4) play
- 8. I am eager to do what I can to help the children of our Province reach full**
1) on going 2) potential 3) intolerable 4) vital
- 9. The basic assumption of all societies is that public administrators are working to the general public's needs.**
1) benefit 2) baffle 3) approval 4) myth
- 10. The national consciousness became widespread and saved the country.**
1) hazardous 2) asleep 3) ugly 4) distinct
- 11. Some companies are to invest in clean energy projects because they are unaware of the advantages.**
1) ambiguous 2) ignorant 3) reluctant 4) inaccessible
- 12. Her younger sister died of a heart 38 days after birth.**
1) defect 2) trap 3) detection 4) scheme
- 13. To communicate accurately, students must understand the differences between similar words.**
1) inferior 2) nimble 3) appealing 4) subtle
- 14. He should be pleased with of the meeting because we've taken care of all his concerns.**
1) interaction 2) outcome 3) exhibition 4) criterion

- 15. The company her employment for testing positive for marijuana.**
 1) conflicted 2) accumulated 3) deduced 4) terminated
- 16. According to the witness, the thief broke into the woman's car.**
 1) densely 2) allegedly 3) divergently 4) explicitly
- 17. In of her father's wishes, Corrine agreed not to sell the farmhouse after his death.**
 1) manipulation 2) quotation 3) pursuance 4) possession
- 18. After the storm the school children were able to safely go home.**
 1) intensified 2) subsided 3) facilitated 4) heighten
- 19. The girls were grateful to be able to use their computers again.**
 1) idly 2) influentially 3) hierarchically 4) exceedingly
- 20. The president requested \$1.8 billion in emergency to fight an outbreak of the Zika virus.**
 1) medication 2) sanitation 3) funding 4) lighting
- 21. Property taxes continue to be the main source of for local governments.**
 1) revenue 2) uncertainty 3) inspiration 4) contamination
- 22. In 1957, the Brazilian government hired a biologist to come up with a new of honeybee that didn't grow lazy in the hot weather.**
 1) distribution 2) breed 3) orientation 4) resource
- 23. If you have used statistics in your report, you will have to start over from the beginning.**
 1) compatible 2) numerous 3) apparent 4) erroneous
- 24. He's a powerful speaker, and I was impressed by the of his views on race and democracy in America and Missouri.**
 1) cogency 2) procedure 3) scheme 4) utility
- 25. Sometimes there's not enough water to allow farmers to their crop.**
 1) exploit 2) irrigate 3) assemble 4) harvest
- 26. Beyond nearly four million deaths, COVID.19 has also ... a profound economic crisis.**
 1) circulated 2) exaggerated 3) intrigued 4) precipitated
- 27. Recycling waste materials can limit the of natural resources.**
 1) repetition 2) population 3) depletion 4) extortion
- 28. Some seeds stay for years before getting what they need to grow.**
 1) dormant 2) attenuated 3) compatible 4) confidential
- 29. The complex puzzleme for hours before I could connect all the pieces.**
 1) condensed 2) opposed 3) baffled 4) encouraged

30. As she tends to things, I don't believe everything my niece tells me.

- 1) preserve 2) exaggerate 3) encircle 4) accelerate

31. About 820 million people are because they don't have access to a healthy, nutritious diet.

- 1) ingenious 2) unwarranted 3) autonomous 4) undernourished

32. Eating more calories than you burn in your daily activity can lead to

- 1) confusion 2) severity 3) conformity 4) obesity

33. The man said that the accident was due to a mechanical in the vehicle.

- 1) defect 2) assimilation 3) reform 4) obstacle

34. Plant roots help prevent by holding the soil in place.

- 1) growth 2) migration 3) dispersion 4) erosion

35. While young people tend to prefer music, the older generation prefers to listen to music from the 1970s.

- 1) occasional 2) theoretical 3) contemporary 4) selective

36. It took a week to electric power after the earthquake.

- 1) restore 2) promote 3) relieve 4) resign

37. As the pain in my foot, I was able to walk the short distance to the car.

- 1) persisted 2) deepened 3) subsided 4) departed

38. The company's employees made illegal profits by the stock markets.

- 1) recovering 2) harvesting 3) manipulating 4) underestimating

39. In order to your current weight, you must consume the same number of calories as you burn.

- 1) maintain 2) collapse 3) exhibit 4) alter

40. Diamond, the hardest natural mineral, has many exceptional

- 1) consequences 2) qualities 3) demerits 4) operations

41. Their from the competition was a great surprise to all.

- 1) opportunity 2) endeavor 3) elimination 4) triumph

42. Do you think Mr. Johnson will be able to the shock of going bankrupt?

- 1) rely on 2) get over 3) tum off 4) dismiss by

43. Sincere advice may offend the ear but is beneficial to one's

- 1) settlement 2) obligation 3) establishment 4) conduct

44. The water quality of the river had for several years, but it finally started to improve again.

- 1) fostered 2) deteriorated 3) purified 4) enhanced

فصل سوم: مجموعه سوالات بخش سوم واژگان / ۱۸۱

پاسخنامه کلیدی سوالات واژگان بخش سوم											
سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
1	4	41	4	81	3	121	2	161	3	201	4
2	3	42	2	82	1	122	1	162	4	202	3
3	1	43	4	83	3	123	3	163	1	203	3
4	1	44	2	84	2	124	4	164	3	204	4
5	4	45	3	85	4	125	3	165	2	205	2
6	1	46	4	86	3	126	1	166	4	206	2
7	3	47	3	87	2	127	2	167	4	207	3
8	2	48	2	88	4	128	1	168	3	208	2
9	1	49	2	89	2	129	1	169	1	209	1
10	4	50	3	90	3	130	2	170	2	210	3
11	3	51	1	91	2	131	1	171	3	211	1
12	1	52	3	92	3	132	1	172	2	212	3
13	4	53	3	93	2	133	1	173	1	213	4
14	2	54	4	94	4	134	3	174	2	214	3
15	4	55	1	95	4	135	3	175	2	215	1
16	2	56	3	96	2	136	2	176	2	216	2
17	3	57	3	97	2	137	4	177	1	217	1
18	2	58	2	98	2	138	4	178	1	218	3
19	4	59	1	99	3	139	2	179	4	219	4
20	3	60	4	100	3	140	4	180	4	220	1
21	1	61	2	101	1	141	2	181	1	221	1
22	2	62	3	102	1	142	2	182	3	222	1
23	4	63	4	103	2	143	3	183	3	223	1
24	1	64	3	104	4	144	3	184	1	224	4
25	2	65	1	105	3	145	1	185	1		
26	4	66	2	106	2	146	1	186	4		
27	3	67	2	107	1	147	1	187	1		
28	1	68	4	108	3	148	4	188	3		
29	3	69	2	109	3	149	2	189	1		
30	2	70	1	110	2	150	1	190	1		
31	4	71	3	111	2	151	4	191	4		
32	4	72	4	112	4	152	2	192	1		
33	1	73	2	113	2	153	2	193	1		
34	4	74	2	114	2	154	3	194	1		
35	3	75	4	115	4	155	4	195	2		
36	1	76	2	116	3	156	3	196	1		
37	3	77	3	117	3	157	3	197	3		
38	3	78	4	118	4	158	4	198	1		
39	1	79	2	119	1	159	2	199	4		
40	2	80	3	120	2	160	2	200	3		

پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های چهار گزینه‌ای بخش سوم

۱. منطقه آمازون یکی از آخرین مناطق بیابانی باقی‌مانده روی زمین نامیده (یاد) می‌شود.
 - (۱) اغراق‌آمیز (۲) ناقص (۳) قابل‌انکار (۴) دست‌نخورده
۲. تا آنجا که به من می‌شود، من بیشتر مایلیم آن را امتحان کنم.
 - (۱) مرتبط (۲) در نظر گرفته شده (۳) بستگی داشتن (۴) متصل بودن
۳. او آنچه را که می‌خواستیم بگویم کاملاً و آن را توهین تلقی می‌کرد.
 - (۱) اشتباه متوجه شدن (۲) پشتیبانی شده (۳) فراموش شده (۴) استفاده نادرست
۴. در قرن بیستم، مردم از زندگی بسیار افزایش یافته است.
 - (۱) انتظار (۲) ارزیابی (۳) فرض (۴) تعیین
۵. برادرم فعالیت‌های مانند پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری را به ماندن در خانه ترجیح می‌دهد.
 - (۱) از راه دور (۲) بیرونی (۳) خارج (۴) فضای باز
۶. بر اساس یک اخیر، ۳۶ درصد از کل زنان در اروپا احساس امنیت نمی‌کنند که شب‌ها به تنهایی پیاده‌روی کنند.
 - (۱) نظرسنجی (۲) زمینه (۳) احتمال (۴) اخبار
۷. اسقف‌ها به‌زودی علیه کسانی که از عقاید کلیسای روم سر باز می‌زدند، فعال شدند.
 - (۱) تشویق کردن (۲) تقسیم کردن (۳) پیروی کردن (۴) بازی کردن
۸. من مشتاق هستم تا هر چه توان دارم انجام دهم تا به بچه‌های استانمان کمک کنم تا تمام توان خود را به دست آورند.
 - (۱) در حال انجام (۲) بالقوه (۳) غیرقابل‌تحمل (۴) حیاتی
۹. فرض اساسی همه جوامع این است که مدیران دولتی در جهت نیازهای عموم مردم تلاش می‌کنند.
 - (۱) منفعت، تأمین منافع (۲) گیج شدن (۳) تأیید (۴) اسطوره
۱۰. آگاهی ملی فراگیر شد و کشور را نجات داد.
 - (۱) خطرناک (۲) خوابیده (۳) زشت (۴) متمایز
۱۱. برخی از شرکت‌ها به دلیل بی‌اطلاعی از مزایا، نسبت به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی پاک هستند.
 - (۱) مبهم (۲) نادان (۳) بی‌میل (۴) غیرقابل‌دسترس
۱۲. خواهر کوچک‌تر او ۳۸ روز پس از تولد بر اثر قلبی درگذشت.
 - (۱) نقص (۲) تله (۳) تشخیص (۴) طرح
۱۳. برای برقراری ارتباط دقیق، دانش‌آموزان باید تفاوت‌های بین کلمات مشابه را درک کنند.
 - (۱) پست (۲) چاپک (۳) جذاب (۴) ظریف، دقیق
۱۴. او باید از جلسه راضی باشد زیرا ما به همه نگرانی‌های او توجه داشتیم.
 - (۱) تعامل (۲) نتیجه (۳) نمایشگاه (۴) معیار
۱۵. شرکت به دلیل مثبت بودن آزمایش ماری‌جوانا، کار او را
 - (۱) در تعارض (۲) انباشته‌شده (۳) استنباط‌شده (۴) خاتمه‌یافته

۱۶. به گفته شاهد، دزد وارد خودروی این زن شده است.
- (۱) متراکم (۲) ظاهراً (۳) واگرا (۴) به صراحت
۱۷. بر اساس پدرش، کورین موافقت کرد که خانه مزرعه را پس از مرگ او بفروشد.
- (۱) دست کاری (۲) نقل قول (۳) پیگیری (۴) تملک
۱۸. پس از طوفان، بچه‌های مدرسه توانستند با خیال راحت به خانه بروند.
- (۱) تشدید شده (۲) فروکش کرده (۳) تسهیل شده (۴) بلند کردن
۱۹. دختران سپاسگزار بودند که توانستند دوباره از رایانه خود استفاده کنند.
- (۱) بیکار (۲) تأثیرگذار (۳) به صورت سلسله‌مراتبی (۴) به شدت
۲۰. رئیس‌جمهور ۱۰۸ میلیارد دلار اضطراری برای مبارزه با شیوع ویروس زیکا در خواست کرد.
- (۱) دارو (۲) بهداشت (۳) تأمین مالی (۴) نورپردازی
۲۱. مالیات دارایی همچنان منبع اصلی دولت‌های محلی است.
- (۱) درآمد (۲) عدم قطعیت (۳) الهام گرفتن (۴) آلودگی
۲۲. در سال ۱۹۵۷، دولت برزیل یک زیست‌شناس را استخدام کرد تا جدیدی از زنبورعسل را بیابد که در هوای گرم تنبل نمی‌شد.
- (۱) توزیع (۲) پرورش دادن، نژاد (۳) جهت‌گیری (۴) منبع
۲۳. اگر در گزارش خود از آمار استفاده کرده‌اید، باید از ابتدا شروع کنید.
- (۱) سازگار (۲) متعدد (۳) ظاهری (۴) اشتباه
۲۴. او سخنران قدرتمندی است و من تحت تأثیر دیدگاه‌های او در مورد نژاد و دموکراسی در آمریکا و میسوری قرار گرفتم.
- (۱) قاطعیت (۲) رویه (۳) طرح (۴) سودمندی
۲۵. گاهی اوقات آب کافی وجود ندارد که به کشاورزان اجازه دهد تا محصول خود را کنند.
- (۱) بهره‌برداری (۲) آبیاری (۳) مونتاژ کردن (۴) برداشت
۲۶. فراتر از نزدیک به چهار میلیون مرگ، کووید ۱۹. یک بحران اقتصادی عمیق را نیز در گردش
- (۱) در گردش (۲) اغراق‌آمیز (۳) شایسته (۴) تسریع کرده
۲۷. باز یافت ضایعات می‌تواند منابع طبیعی را محدود کند.
- (۱) تکرار، تجدید، بازگویی (۲) جمعیت (۳) کاهش، تقلیل (۴) اخاذی
۲۸. برخی از دانه‌ها قبل از به دست آوردن آنچه برای رشد به آن نیاز دارند، سال‌ها باقی می‌مانند.
- (۱) غیرفعال، خواب، خاموش (۲) ضعیف، رقیق (۳) سازگار، موافق (۴) محرمانه
۲۹. معمای (پازل) پیچیده قبل از این که بتوانم همه قطعات را به هم متصل کنم، ساعت‌ها مرا
- (۱) متراکم کردن، منقبض کردن (۲) مخالفت کردن (۳) گنج یا گمراه کردن، دستپاچه کردن (۴) تشویق کردن
۳۰. از آنجاکه خواهرزاده‌ام تمایل به در همه چیز دارد، من هر چیزی را که او به من بگوید، باور نمی‌کنم.
- (۱) حفظ کردن (۲) اغراق کردن، گزافه‌گویی کردن (۳) احاطه کردن (۴) تسریع کردن، سرعت دادن

۳۱. حدود ۸۲۰ میلیون نفر دچار هستند زیرا به رژیم غذایی سالم و مغذی دسترسی ندارند.
- (۱) مبتکر، باهوش (۲) بی‌جا، توجیه نکردنی، غیرقابل ضمانت
(۳) مستقل، خودمختار (۴) دچار سوء تغذیه
۳۲. خوردن کالری بیشتر از آنچه در فعالیت روزانه خود می‌سوزانید، می‌تواند منجر به شود.
- (۱) گیجی، حواس پرتی، سردرگمی (۲) شدت
(۳) انطباق، پیروی (۴) چاقی مفرط
۳۳. مرد گفت که این حادثه، به دلیل مکانیکی در خودرو بوده است.
- (۱) نقص، عیب (۲) ادغام، یکسانی، تشبیه (۳) اصلاح، بهسازی (۴) مانع، سد
۳۴. ریشه‌های گیاهان با نگه‌داشتن خاک، به جلوگیری از کمک می‌کنند.
- (۱) رشد (۲) مهاجرت، کوچ (۳) پراکندگی، انتشار، تفرق (۴) فرسایش
۳۵. در حالی که جوانان به موسیقی تمایل دارند، نسل قدیمی‌تر ترجیح می‌دهند موسیقی دهه ۱۹۷۰ را گوش دهند.
- (۱) گاه‌به‌گاه (۲) نظری، علمی (۳) معاصر، هم‌دوره (۴) انتخابی
۳۶. پس از زلزله، یک هفته طول کشید تا نیروی برق را
- (۱) بازگرداندن، تعمیر کردن (۲) ترویج دادن، ترقی دادن، ترفیع دادن
(۳) تسکین دادن، خلاص کردن (۴) استعفا دادن، دست کشیدن
۳۷. چون درد پایم، توانستم مسافت کوتاه تا ماشین را پیاده طی کنم.
- (۱) اصرار کردن (۲) عمیق شدن (۳) فروکش کردن (۴) عزیمت کردن، روانه شدن
۳۸. کارکنان شرکت با در بورس سهام، سودهای غیرقانونی کسب کردند.
- (۱) ترمیم شدن (۲) درو کردن و برداشتن (۳) دست‌کاری کردن (۴) دست‌کم گرفتن، ناچیز پنداشتن
۳۹. برای این که وزن فعلی خود را، باید همان مقدار کالری را که می‌سوزانید، مصرف کنید.
- (۱) نگه داشتن (۲) سقوط کردن، فروریختن (۳) نمایش دادن، ارائه دادن (۴) تغییر دادن، دگرگون کردن
۴۰. الماس، سخت‌ترین ماده معدنی طبیعی، منحصربه‌فرد بسیاری دارد.
- (۱) نتایج، پیامدها (۲) خواص (۳) ناسازواری‌ها (۴) عملیات‌ها
۴۱. آن‌ها در رقابت‌ها، برای همه شگفتی بزرگی بود.
- (۱) فرصت (۲) تلاش (۳) نابودی (۴) موفقیت، پیروزی
۴۲. فکر می‌کنی آقای جانسون بتواند از شوکی که به خاطر ورشکسته شدن به او دست داده،؟
- (۱) اعتماد کردن (۲) عبور کردن، گذشتن از (۳) خاموش کردن (۴) اخراج شدن
۴۳. نصیحت صادقانه ممکن است به گوش ناخوشایند آید، ولی به نفع فرد است.
- (۱) توافق (۲) تعهد (۳) استقرار (۴) رفتار، هدایت
۴۴. کیفیت آب رودخانه برای چند سال بود، ولی بالاخره رو به بهبودی گذاشته است.
- (۱) تقویت شده (۲) خراب شده (۳) تصفیه شده (۴) افزایش یافته
۴۵. مری در مورد اینکه به او کمکی نشده بود، شکایت کرد.
- (۱) متقابل (۲) شادمانه (۳) با تلخی و گله (۴) عقلانی